



نمره قبولی محمدحسین لطیفی

تیم جدید «هفت» را حفظ کنید

نگاهی به فیلم «جان دار»

فیلمی با پایان رها شده!

۵ فیلم برتر آرای مردمی

سی و هفتمین جشنواره فیلم

فجر اعلام شد

عواقب «وَر رفتن» با کلمات

«من می فهمم، شما نفهمین»!

چشم اندازی بر کلیت جشنواره سی و هفتم فیلم فجر

جریانی که متولد شده

و حمایتی که آیا خواهد شد؟

«سرخپوست» در صدر جدول

ارزشگذاری نویسندگان



«دنیای هوادار» انتخاب کرد

۵+۵ بازیگر برتر زن و مرد در جشنواره ۳۷

به پایان آمد این دفتر...

بهترین «فجر» يك دهه اخير!

نگاهی گذرا به بهترین فیلم های

جشنواره سی و هفتم

ماجرای جشنواره ۳۷:

رد این ۱۱ فیلم

نگاهی به فیلم «سرخپوست»

میان عشق و وظیفه!

نگاهی به فیلم «متری شیش و نیم»

اثری مطلوب

در گام دوم





خبر



رهبر انقلاب:

راهپیمایی ۲۲ بهمن پر شکوه‌تر از سال‌های قبل خواهد بود

حضرت آیت الله خامنه‌ای در دیدار فرماندهان و جمعی از کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش، تأکید کردند: ۲۲ بهمن امسال به یاری پروردگار و در پرتو همین عوامل تاریخ‌ساز به معنای واقعی کلمه دشمن‌شکن خواهد شد و با هوشیاری ملت و حضور همه سلاقی و دیدگاهها، پرشکوه‌تر از سالهای قبل خواهد بود. به گزارش «دنیای هوادار» به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح امروز (جمعه) در دیدار فرماندهان و جمعی از کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش، بیعت شگفتی‌ساز همافران با امام خمینی (ره) در ۱۹ بهمن ۱۳۵۷ را تجسم شجاعت، امید به پروردگار، نهراسیدن از دشمن و عمل به وظیفه برشمردند و تأکید کردند: ۲۲ بهمن امسال به یاری پروردگار و در پرتو همین عوامل تاریخ‌ساز به معنای واقعی کلمه دشمن‌شکن خواهد شد و با هوشیاری ملت و حضور همه سلاقی و دیدگاهها، پرشکوه‌تر از سالهای قبل خواهد بود.

مرافده نداشته باشیم بلکه با چشم بدبینی به اروپایی‌ها نگاه کنید. رهبر انقلاب خاطر نشان کردند: درباره آمریکا هم از چند سال قبل و در مذاکرات هسته‌ای، هم در جلسات خصوصی و هم در جلسات عمومی مکرر به مسئولان می‌گفتم به آمریکایی‌ها اعتمادی ندارم و شما هم به قول و حرف و لبخند و امضای آنها اعتماد نکنید. اکنون نتیجه این شده است مسئولانی که آن روزها مذاکره می‌کردند، خودشان می‌گویند آمریکا غیرقابل اعتماد است. باید از اول این را تشخیص می‌دادند و بر این مبنا حرکت می‌کردند. حضرت آیت الله خامنه‌ای با اشاره به پابندی ملت به «استقلال، عزت و سرفرازی حاصل از انقلاب اسلامی» افزودند: بنده از گرفتاری‌ها، گرانی‌ها و دیگر مشکلات مطلع هستم اما

۱۲۸ پروژه به مناسبت دهه مبارک فجر در شهرستان کرج به بهره‌برداری رسید

استاندار البرز:

دکتر شهبازی اضافه کرد: افتتاح این پروژه‌ها زمینه اشتغال هزار نفر را در این شهرستان فراهم می‌کند و امیدواریم با همدلی مسئولان و مشارکت بیشتر بخش خصوصی شاهد رونق بیش از پیش صنعت و اقتصاد استان باشیم. افتتاح مدرسه ۲۴ کلاسه قلم، بازدید از نمایشگاه هنرستان پسرانه هنرهای زیبای کرج، ملاقات مردمی، گلباران مزار شهدا و دیدار با خانواده شهدا از برنامه‌های امروز بازدید استاندار البرز بود.



نماینده عالی دولت در استان البرز گفت: افتتاح این پروژه‌ها زمینه اشتغال هزار نفر را در این شهرستان فراهم می‌کند و امیدواریم با همدلی مسئولان و مشارکت بیشتر بخش خصوصی شاهد رونق بیش از پیش صنعت و اقتصاد

رسالت مجموعه مدیریت شهری فراهم‌سازی بستر رشد هنر انقلابی است

بضاعتی‌پور:



مقوله جدان نبود. وی تصریح کرد: در پیروزی انقلاب اسلامی این هنرمندان بودند که با هنر

از برگزاری این ورکشاپ ایجاد تحرک و پویایی در حوزه هنرهای نقاشی، شناسایی استعدادها بالقوه و جدید، ایجاد فضای دوستانه و هنری برای تعامل و تبادل ایده‌ها و افکار می‌باشد. رییس سازمان سیمانظر و فضای سبز شهری مدیریت شهری را فراهم‌سازی بستر رشد هنر انقلاب آرزویی کرد و تصریح کرد: انقلاب اسلامی تحولی عمیق در تمامی لایه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایجاد کرد و هنر نیز از این



امام جمعه کرج: از خدای متعال طلب عفو و مغفرت دارم

نماینده ولی فقیه در استان البرز و امام جمعه کرج با اشاره به توطئه‌ها و تبلیغات گسترده دشمنان اسلام علیه نظام اسلامی گفت: دشمنان اسلام باید بدانند که مردم قهرمان ایران به ویژه نسل چهارمی‌های انقلاب با صلابت‌تر از گذشته سبلی محکم به صورت بدخواهان و دشمنان خواهند زد. آیت الله حسینی همدانی با اشاره به لغو حضور سخنران تعیین شده در البرز اظهار داشت: لغو این سخنرانی را به بنده نسبت دادند در حالیکه جفا بود. امام جمعه کرج ادامه داد: به دنبال این موضوع عده‌ای در مجلس و رسانه‌ها به فضا سازی علیه من پرداختند که البته برخی مسئولان در جریان این موضوع از مردم با بصیرت عقب‌ماندند. وی بیان داشت: تمام تلاش ما این است که رهبر معظم انقلاب ناراحت نشوند و از غصه‌های ایشان کم شود و اگر خدای ناکرده عمل ما موجب ناراحتی شده از خدای متعال طلب عفو و مغفرت داریم. آیت الله حسینی همدانی گفت: خدا می‌داند که حرف و سخن ما فقط به خاطر اهداف متعالی دینی و الهی و اهداف والای نظام اسلامی است. وی اظهار داشت: بنده با خدای خود عهده کرده‌ام که در برابر ظلم و فساد سکوت نکنم و وابستگی به پست و مسئولیت ندارم.

جشنواره فیلم کوتاه موبایلی «البرز بانو» تا ۲۵ بهمن تمدید شد

مدیرکل بانوان و خانواده استانداری البرز از تمدید مهلت ارسال اثر به جشنواره فیلم کوتاه موبایلی «البرز بانو» خبر داد. به گزارش «دنیای هوادار» به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی استانداری البرز، مریم اسماعیلی فرد با اعلام این خبر اظهار داشت: دبیرخانه جشنواره فیلم کوتاه موبایلی «البرز بانو» مهلت ارسال اثر به جشنواره را تمدید کرد. وی افزود: دفتر امور بانوان و خانواده استانداری البرز که با همکاری حوزه هنری البرز به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی جشنواره فیلم کوتاه موبایلی «البرز بانو» را فراخوان کرده است، زمان ارسال اثر این فراخوان را تا ۲۵ بهمن ماه سال جاری تمدید کرد. جشنواره فیلم کوتاه موبایلی «البرز بانو» که با هدف معرفی زنان شاخص، موفق و توانمند استان البرز به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی فراخوان گردید در بخش‌های هنر بانو، ماه بانو، مهر بانو و فخر بانو و بخش ویژه دولت زنان (بانوان موفق کارمند) از آذر ماه شروع به دریافت اثر نمود. علاقه‌مندان تا ۲۵ بهمن ماه ۱۳۹۷ مهلت دارند که آثار خود را از طریق سایت www.artalborz.ir به دبیرخانه جشنواره ارسال نمایند.

دستگیری زن جیب‌بر با ۲۰ فقره سرقت در فردیس

فرمانده انتظامی شهرستان فردیس گفت: با تلاش مأموران پلیس آگاهی این شهرستان، جیب‌بر حرفه‌ای که اقدام به سرقت پول و کارت عابر بانک مشتریان فروشگاه‌ها و مراکز خرید می‌کرد دستگیر و به ۲۰ فقره سرقت اعتراف کرد. سرهنگ بیژن جنتی در پی شکایت خانمی مبنی بر مفقود شدن کارت بانکی و برداشت غیر مجاز از حساب وی، پیگیری موضوع در دستور کار مأموران پلیس آگاهی این شهرستان قرار گرفت. وی ادامه داد: شاکی در اظهارات خود بیان داشت پس از خرید از چند فروشگاه پوشاک و در زمان بازگشت به خانه از طریق پیامک تراکنش بانکی، متوجه برداشت ۵ میلیون ریال از حساب خود شده و پس از بررسی‌ها متوجه سرقت کیف پول و کارت عابر بانکش می‌شود.



به پایان آمد این دفتر...

بهترین «فجر» یک دهه اخیر!

کنم. «یونا تدین» و «یوشا علیپور». به خصوص نیوشا علیپور که با هدایت درجه یک میر کریمی و ایفای نقش فوق العاده و شیرین و جذابش در قصر شیرین که به یکی از نکات مثبت و جالب توجه فیلم هم تبدیل شده است، لایق ترین گزینه‌ها برای پدیده‌های این دوره از جشنواره هستند. آن هم در این دوره از جشنواره که عملاً با برهوت و بیابان بی آب و علفی از بازیگران خوب زن سر و کار داشتیم! بی شک اگر استعداد این دو کودک معطوف و متمرکز بر «بازیگری» باشد شاهد ظهور بازیگران بزرگی در آینده خواهیم بود. البته علاوه بر این دو کودک، فیلم «پالتو شتری» نخستین ساخته «مهدی علی میرزایی» در مقام کارگردان نیز می‌تواند یکی دیگر از پدیده‌های این دوره باشد. این فیلم، نشان از شناخت دقیق صاحب اثر نسبت به کمدی، لحظه و تکرار را دارد که با موضوع روز و جالبی که دارد بازیگری تمام برخی از خط قرمزها و مسائلی که کمتر و یا اصلاً با آن شوخی نشده است را زیر پامی گذارد که نشان از جسارت فیلمساز دارد.

سرگیجه هیئت داوران در بخش «بهترین بازیگر نقش اول مرد»

یکی از سخت ترین کارهای هیئت داوران در انتخاب برگزیده‌های این دوره از جشنواره، بی شک انتخاب بهترین بازیگر نقش اول مرد خواهد بود. «حامد بهداد» در «قصر شیرین»، «امین حیایی» در «درخونگاه»، «وید محمدزاده» در «سرخپوست»، «پیمان معادی» در «متری شش و نیم» و «هوتمن شکبیا» در «شبی که ماه کامل شد» رقابت بسیار نزدیک و تنگاتنگی برای بردن سیمرغ به خانه خواهند داشت. بهداد که در اوج بلوغ، پختگی و کنترل در بازی اش رسیده و لحن، بیان و قدرت نگاهش چندین پله اوراز بازی‌های چندین سال اخیرش بالاتر می‌برد. حیایی پس از سال‌ها انتخاب‌های نادرست و نقش‌های کلیشه‌ای از «شعله‌ور» به این طرف، توانایی‌های بالا و متفاوتش را به خوبی به معرض نمایش گذاشته است. محمدزاده که مثل اکثر اوقات خوب است و در سرخپوست او را متفاوت تر از همیشه با بازی زیرپوستی و شخصیتی چند لایه و جذاب مشاهده می‌کنیم. شکبیا هم که پس از سال‌ها درخشش در تئاتر این بار در شبی که ماه کامل شد ۱۴۰ دقیقه تمام مخاطب را با شخصیت پیچیده و جذابش در نقش عبدالحمید درگیر و همراه می‌کند؛ و در آخر پیمان معادی که به زعم نگارنده بزرگترین و بهترین بازی عمرش را در متری شش و نیم ارائه داده است. یک پلیس واقعی با تمام ابعاد آدم گونه‌ای اعم از فضایل و زوایای اخلاقی مانند دیگر انسان‌ها؛ احتمالاً او باورپذیرترین و بهترین پلیس سینمای ایران در دو دهه اخیر است.

جدی و محکمی را با «مسخره باز: داستانی پر از مو» برداشته است. غنی زده فیلمی در قد و قواره سینما و برای «سینما» ساخته است. فیلمی که درست جایش در جشنواره است. اثری که تکنیک را به معنای درست و دقیق اجرا می‌کند. نور می‌شناسند؛ رنگ، تصویر، فیلمبرداری و جلوه‌های ویژه را بلد است و همه چیز را در خدمت فیلم قرار داده است تا با یک اثر متفاوت، دوست داشتنی و البته جذاب برای فیلمبازها و سینمایی‌ها طرف باشیم. فیلم البته لحن دوپاره ای دارد که طبق صحبت‌های غنی زاده این موضوع انتخاب او بوده که باز هم «جسارت» او را می‌رساند. تمام پلان‌های تکرار در فیلم درست و دقیق درآمده اند؛ البته بهتر بود که سکانس‌های ادای دین به فیلم‌های کلاسیک و دهه ۹۰ در یک سوم پایانی فیلم کمی منسجم تر با روند قصه و همچنین ملاحظاتی در دست فیلمساز در قصه و روایت فیلمش پر تر و منطقی تر از این در می‌آمد.

«متری شش و نیم»، «ناگهان درخت»، «درخونگاه»، «۲۳ نفر» و کمی هم «طلا»، «قصر شیرین» و «غلامرضا تختی» از دیگر خوب‌های این دوره از جشنواره بودند.

پیشرفت چشمگیر فنی و تکنیکی سینمای ایران

و اما نکته دیگری که حائز اهمیت است و اشاره به آن جای دوری نمی‌رود، پیشرفت چشمگیر سینمای ایران به لحاظ فنی و تکنیکی است. اکثریت فیلمسازانی که فیلم‌هایشان در بخش مسابقه جشنواره سی و هفتم به نمایش درآمد، پیشرفت چشمگیری به لحاظ فنی و تکنیکی نسبت به سال‌های گذشته داشته‌اند. مثالی خوب برای روشن ساختن این مسئله، دو فیلم بسیار بد «مردی بدون سایه» آخرین ساخته «علیرضا رئیسیان» و «ایده اصلی» آریتا موهوبی هستند که به لحاظ جنس تصویر، رنگ و قاب اثر نسبتاً استانداردی را روانه جشنواره کرده‌اند. اگرچه مخاطب زیرک، باهوش و امروزی سینما با این حقه‌ها معرعب نخواهد شد و قطعاً پس از پایان فیلم، تمام جلوه‌های ظاهری فیلم هم برایش به اتمام خواهد رسید و احتمالاً با خود خواهد گفت: «حیف این همه بودجه و امکانات...!»

پدیده‌های این دوره: خردسال‌های نابغه «قصر شیرین»!

شکی به دل راه ندهید که می‌خواهم دو بازیگر خردسال «قصر شیرین» را به عنوان پدیده‌های این دوره معرفی

از تماشای آن‌ها حداقل پشیمان نشده‌ایم. نگارنده در سال‌های اخیر کمتر به یاد می‌آورد که ۱۵ فیلم قابل بحث در بخش مسابقه جشنواره فیلم فجر راه پیدا کرده باشند و دستکم نصف آن‌ها هم فیلم‌های خوب و قابل توصیه‌ای باشند و از این رو، فیلمسازان و هیئت انتخاب نسبت به سال‌های پیشین نمره قبولی می‌گیرند.

بهترین‌ها / بدترین‌ها:

از «جاویدی» تا «پورا احمد» و...!

جشنواره سی و هفتم غیرمنتظره‌های زیادی داشت. از بخش بازیگری گرفته تا درخشش و افول عجیب برخی از فیلمسازان جوان و البته قدیمی سینمای ایران. «کیومرث پورا احمد» پس از فیلم‌های ضعیف «پنجاه قدم آخر» و «کشفهای کو؟!» عقب‌گرد بدی را در کارنامه فیلمسازی اش به ثبت رسانده بود و به همین جهت روی کاغذ هم انتظار خلق یک فیلم خوب از سوی او نداشتیم اما حقیقتاً انتظار ساخت «تیغ و ترمه» را هم که چنین مفتضحانه، سطحی که حتی از اجرای یک پلان ساده و استاندارد عاجز بوده را هم نداشتیم و تمام مدت از شدت حماقت اثر بهت زده بر پرده عریض سینماخیره ماندیم! آخرین اثر کیومرث پورا احمد فیلمی است که قابلیت تدریس در کلاس‌های فیلمسازی و آموزش سینما را دارد؛ تدریس به هنرجویان فیلمسازی با این محوریت که چه کاری انجام دهید تا فیلمتان اینگونه نشود! «بلدا»، «روزهای نارنجی»، «زهرمار»، «جمشیدیه»، «مردی بدون سایه»، «ایده اصلی» و... هم در صف دیگر فیلم‌های این چنینی هستند که کمترین ارزش بصری و سینمایی را هم نمی‌توان برای آن‌ها در نظر گرفت.

«نیما جاویدی» که با فیلم قبلی اش «ملبورن» در مجموع تجربه قابل قبولی ارائه نداد و با تقلید کورکورانه از سینمای فرهادی - منهای نقاط قوت او - یک اثر نه چندان قابل قبول و منفعل محسوب می‌شد، با درخشش خیره‌کننده و پیشرفتی چشمگیر نسبت به اثر قبلی، یک فیلم «سینمایی» تمام عیار خلق کرده است؛ فیلمی که در برهوت ژانر، فضا سازی، تصویر و... غنیمت بزرگی است. «سرخپوست» تنها فیلمی از جشنواره سی و هفتم است که به زعم نگارنده، نزدیک به شاهکار است. فضا سازی نیما جاویدی در همان سکانس‌های اولیه معرعب‌کننده و حیرت‌انگیز است. او به خوبی روند تبدیل یک ضد قهرمان به قهرمان را روایت می‌کند و پایان بسیار منسجم، فکر شده و قابل ستایشی هم دارد. «همایون غنی زده» نیز پس از سال‌ها تجربه و موفقیت در عرصه تئاتر، اولین حضورش در عرصه سینما، گام



مهدی تیموری

سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر امروز با نمایش سه فیلم: «آشفته گی»، «حمال طلا» و «ماجرای نیمروز: ردخون» در سینمای رسانه به اتمام خواهد رسید. جشنواره‌ای که پیش از شروع آن، با توجه به غیبت برخی از فیلمسازان مشهور - اعم از پیشکسوت و جوان - امید چندانی به آن نداشتیم؛ شروع جشنواره هم در چند روز اول گواه همین موضوع بود که ناگهان ورق کاملاً برگشت. حال جشنواره سی و هفتم با دستکم ۵ فیلم خوب و مجموعاً ۱۰ یا ۱۱ فیلم قابل اعتنا و قابل بحث به یکی از بهترین جشنواره‌های یک دهه اخیر - شاید هم بهترین - تبدیل شده است. البته کماکان این نقد به جشنواره فیلم فجر وارد است که اساساً چه اصراری بر پذیرش تعداد بالای ۲۰ فیلم دارد؟! اگر برخی از آثار سطح پایین این دوره که خیلی از آن‌ها را امثال «یرج ملکی» های اینستاگرامی هم با گذراندن ۴ یا ۵ جلسه آموزش فیلمسازی می‌توانند بسازند را از آن حذف می‌کردند و به راحتی از پذیرش فیلم در بخش مسابقه ممانعت می‌کردند، اتفاق بهتری رخ نمی‌داد؛ به نظر لازم است برای یکبار هم که شده تفکر نادرست «کمیت محور» را مورد بازنگری قرار دهیم. در این یادداشت به برخی از نکات مهم و حائز اهمیت جشنواره سی و هفتم پرداخته‌ایم که خواندنش خالی از لطف نخواهد بود.

جشنواره‌ای مهم با فیلم‌های قابل اعتنا

خوشمان بیاید یا نیاید چندان تفاوتی نخواهد داشت؛ «جشنواره فیلم فجر» مهم‌ترین رویداد سینمایی کشور و همواره ویرترین سال آینده سینمای ایران خواهد بود. جشنواره‌ای مهم که در سی و هفت سالگی اش فیلم‌های قابل اعتنا و مهمی را در خود جای داده است. بدون ترتیب: «غلامرضا تختی»، «درخونگاه»، «ناگهان درخت»، «سمفونی نهم»، «قصر شیرین»، «مسخره باز»، «طلا»، «بیست و سه نفر»، «پالتو شتری»، «شبی که ماه کامل شد»، «متری شش و نیم»، «سرخپوست»، «جان دار» و احتمالاً «آشفته گی» و «ماجرای نیمروز: ردخون» به زعم نگارنده - فارغ از کیفیت آثار - فیلم‌های قابل بحث و نقدی هستند که



نگاهی گذرا به بهترین فیلم های جشنواره سی و هفتم تا پایان روز نهم

ماجرای جشنواره ۳۷^{ام} رد این ۱۱ فیلم

بخصوص به بازی ها که شاهد یک دو جین بازی یکدست و بی نقص هستیم از نسل های مختلف بازیگری. از فاطمه معتمدآریا و مسعود کرامتی گرفته تا حامد بهداد و جواد عزتی که فوق العاده است و بازیگر جوانی چون علی شادمان.

منهای پایان بندی که بی رمق است، چند فصل ماندگار هم در این فیلم وجود دارد که حیفاست به آن ها اشاره نشود: فصل رویارویی اسما و یاسر در محل کار یاسر و همچنین فصل درگیری در شب عروسی.

«قسم»

ارائه درست و با جزئیات اطلاعات در طول فیلم و شخصیت های نسبتا پرداخت شده تمامی مسافران اتوبوس، «فیلمنامه» فیلم را به یکی از بهترین فیلمنامه های جشنواره سی و هفتم تبدیل کرده است. به اینها اضافه کنید کارگردانی سخت و تحسین برانگیز تابنده را که از «قسم» یک فیلم دیدنی و درجه یک ساخته است که تا انتها تماشاگر را می کشاند. نقطه اوج فیلم هم عالی از کار درآمده و مشخص است که برایش زحمت فراوان کشیده شده است.

مهنراز افشار یکی از بهترین نقش های کارنامه بازیگری اش را در این فیلم به ثبت رساند و در سالی که شاهد بازی های نچندان ماندگار از بازیگران زن در جشنواره بودیم، او قطعاً یکی از نامزدهای بازیگری خواهد بود.

«قسم» پس از «گینس» به عنوان دومین ساخته تابنده یک جهش بلند در کارنامه کارگردانی سازنده اش است.

«در خونگاه»

سیاوش اسعدی در فیلم «در خونگاه» نشان می دهد که دغدغه تصویر دارد و مدیوم «سینما» را به خوبی می شناسد. «در خونگاه» به لحاظ فنی، درجه یک است و تحسین برانگیز نورپردازی، قاب ها، تدوین، موسیقی متن، تیم بازیگری بخصوص امین حیایی، ژاله صامتی، پانته آ پناهی ها و گل سرسبدشان نادر فلاح معرکه هستند و شایسته تقدیر.

اما فیلم ضربه اساسی را از فیلمنامه خورده است. پنهان کاری مادر و دختر که همان ده دقیقه اول برای بیننده به عنوان عنصر تعلیق به صورت سر بسته آشکار می شود، باعث می شود تماشاگر از قهرمان جلو بیفتد و بیننده منتظر باشد عکس العمل قهرمان را در برابر این پنهان کاری ببیند. فیلمساز تا یک سوم نهای این انتظار را هم برای قهرمان و هم برای تماشاگر کش می دهد تا به نقطه عطف اول که قاعدتا باید دقیقه ۳۰ شکل می گرفت، برسد. برای همین است که بدنه فیلم، کشدار است و خالی و فیلمساز مجبور می شود در عرض حرکت کند.

«۲۳ نفر»

فیلم جمع و جور و محترم و یکدستی است که موفق می شود ماجرای ۲۳ نفر از نوجوانان ایرانی که سال ۱۳۶۱ در جنگ ایران و عراق اسیر شدند را بی لکنت و با فضا سازی نسبتاً موفق و با چند فصل ماندگار تعریف کند و به پایان دراماتیکی هم برسد. بازی نوجوانان و همچنین بازی آلبو عبادی در نقش ملاصالح قابل تامل است.

بهترین بازی کارنامه بازیگری اش است. نوید محمدزاده تمام سعی اش را کرده که بهترین باشد، اما چیز جدیدی به کارنامه اش اضافه نمی کند.

«قصر شیرین»

فیلم، بازگشتی است به دوران درخشان میرکریمی در اواسط دهه هشتاد. همه چیز در «قصر شیرین» درست است و به جا. شروع، ادامه و پایان بندی به موقعی دارد و مهم تر از همه چیز، داستانش را بی لکنت و بدون وقت تلف کردن، تعریف کرده و به موقع تمام می کند. یکی از بهترین پایان بندی های جشنواره امسال در دوره ای که فیلمسازان، همچنان برای فرار، «پایان باز»، گزینه اولشان است.

فیلم یک حامد بهداد درست و کنترل شده دارد و چند بازی درخشان بخصوص از دو کودک خردسال که معرکه اند.

«طلا»

پرویز شهبازی در «طلا» به روزهای خوبش برگشته است. فیلم، حتی از «عیار ۱۴» هم بهتر است و در کنار «در بند» و در یک قدمی «نفس عمیق» می ایستد.

«طلا» ضمن اینکه به روز است، چهار جوان امروزی هم دارد که سه تایشان تبدیل به «شخصیت» می شوند: منصور (هومن سیدی)، دریا (نگار جواهریان) و لیلا (طنناز طباطبایی). شهبازی حتی موفق می شود یک پدر بزرگ خلق کند که حضور موثری در روند داستان دارد. شاید از معدود دفعاتی باشد که در جشنواره امسال «شخصیت» به معنای واقعی دیدیم. ای کاش شهبازی به کاراکتر «رضاء» با بازی مهرداد صدیقیان هم بیشتر بها می داد تا جمع چهار نفره کامل تر می شد.

فقط می ماند یک نکته. در تعجبم چنین خطای تکنیکی چرا باید از شهبازی سر بزند: فصل فینال (ماقبل پایانی)، ناگهان زاویه دید سوم شخص بی هیچ دلیل منطقی و روایی به «پی او وی» تغییر می کند.

«غلامرضا تختی»

یک فیلم بیوگرافیک درجه یک که مشخص است برایش زحمت فراوان کشیده شده. موضع توکلی در برابر شخصیت تختی، محافظه کارانه است و حتی سعی نکرده به وی نزدیک شود. اما سند ماندگاری است از زندگی غلامرضا تختی در قالب یک فیلم سینمایی و چقدر درخشان است فضا سازی، فیلمبرداری و طراحی صحنه و لباس که اوچش مسابقه فینال المپیک ملبورن است و مشاخره در رختکن.

فقط می ماند یک نکته: بازی بازیگران نقش تختی بخصوص بازیگران نقش های جوانی و میان سالی، نقطه ضعف فیلم است. از توکلی توقع بیشتری می رفت که توان مضاعفی روی بازی گرفتن از ناباب یگرانی که قرار است کاراکتر «غلامرضا تختی» را بازی کنند، بگذارد.

«جان دار»

فیلم شروع فوق العاده ای دارد و خیلی سریع می رود سراغ بحران و ریتم تند فیلم تا انتها ادامه می یابد و در این بین شاهد یک کارگردانی مسلط از دو فیلمساز جوان هستیم که حواسشان به همه چیز هست

عطف و گره افکنی ها و شخصیت پردازی های استادانه جشنواره تا پایان روز پنجم - و هم در کارگردانی - توانایی آبیار بخصوص در خلق فصل های مربوط به عبدالملک و گروهش - درخشان است.

ضمن اینکه الناز شاکر دوست در سال های اخیر پس از «خفه گی»، یک نقش آفرینی تحسین برانگیز دیگر به کارنامه اش اضافه می کند، فیلم دو بازی ماندگار و جایزه بگیر هم دارد: هوتن شکیبا در نقش عبدالحمید ریگی و فرشته صدر عرفایی در نقش غمناز، مادر عبدالحمید. هر دو معرکه هستند و درجه یک.

«سرخه باز»

«سرخه باز» سرشار از سینماست. همایون غنی زاده در اولین تجربه سینمایی اش، «سینما» را به ما هدیه می دهد. فیلم به لحاظ فنی بسیار غنی است. از فیلمبرداری درجه یک علی قاضی گرفته تا طراحی صحنه، جلوه های ویژه، چهره پردازی و تدوین استادانه هاید صفی یاری و همینطور بازی های تحسین برانگیز صابر ابر، بابک حمیدیان، داریوش موفق و گل سرسبدشان علی نصیریان تا میزانسن های عجیب و غریب و به غایت سینمایی همه و همه در خدمت یک بازی شیطنت آمیز هستند. چقدر زیبا و باشکوه است ارجاع هایی که به تاریخ سینمای ایران و جهان شده است: از «کازابلانکا» و «پاپیون» و «هوانورد» و «بیل را بکش» و ... تا «هزارستان».

«سرخه باز» داستان یک عشق سینما و بازیگری را روایت می کند که شاگرد یک سلمانی است و سینما را از داخل کمد و با تلویزیون پرتابلش تخیل می کند. یک روایت تازه و جدید و پر از جلوه های بصری چشم نواز. درجا زدن فیلمنامه در یک سوم پایانی که چند پایان برای فیلم رقم زده است، «سرخه باز» را از رسیدن به یک شاهکار ماندگار باز داشته است.

«متری شیش و نیم»

کارگردانی روستایی در «متری شیش و نیم» جاه طلبانه است و فراتر از «ابد و یک روز» و چند فصل درجه یک و معرکه دارد. مثل فصل تعقیب و گریز ابتدایی که به زنده به گور شدن مواد فروش ختم می شود یا فصل به دام انداختن یکی از خرده فروش های ناصر که مامورها با کمک سگ مواد جاساز شده را پیدا می کنند یا فصل پیدا کردن ناصر خاکزاد در خانه اش یا دونل ناصر و صمد در دادگاه سر وزن بسته های مواد یا فصلی که صمد در ماشین در حضور ناصر، کشته شدن بچه همکارش را به او نسبت می دهد یا فصل پایانی. روستایی در میزانسن و تسلط بر اجزای صحنه و بازی ها نسبت به فیلم اولش بسیار مسلط تر نشان می دهد.

اما فیلمنامه نسبت به کارگردانی، نه تنها قوی نیست بلکه ضعف هایی هم دارد. بزرگ ترین مشکل فیلم، تغییر لحن در یک سوم پایانی است. جایی که فیلمنامه نویس، پلیس را به یکبارها رها می کند و به سمت دزد متمایل می شود و آنقدر پیش می رود تا تماشاگر حتی برایش اشک بریزد. در فصل ملاقات آخر خانواده با ناصر، تغییر لحن فیلم به اوج می رسد.

بازی پیمان معادی در نقش یک پلیس، عالی است و



احمد شاهوند

یک روز مانده تا پایان سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر. از میان ۲۷ فیلم به نمایش درآمده در بخش مسابقه و بخش نگاه نو، می توان حداقل به یازده فیلم قابل تامل اشاره کرد. فیلم هایی که می شود ستاره و بیشتر (از معیار چهار ستاره ای) به شان اختصاص داد و از دیدنشان نه تنها اذیت نشد، بلکه کم و زیاد از بازی ها، فصل های درخشان، کارگردانی و فیلمنامه و تکنیک شان کیف کرد.

در پردیس ملت (سینمای رسانه ها) نمایش سه فیلم دیگر باقی مانده: «آشفتگی» (فریدون جیرانی)، «ماجرای نیمروز ۲: رد خون» و «حمال طلا» (تورج اصلانی). حداقل ممکن است از سه فیلم فوق دو فیلم دیگر به لیست یازده تایی اشاره شده راه پیدا کنند و تعداد آثار قابل تامل جشنواره امسال را به عدد ۱۳ برسانند که برخلاف سابقه اش، عدد خوش یمنی برای جشنواره ای خواهد بود که تا به حال در طول یک دوره، این تعداد فیلم خوب به خود ندیده بود.

در ادامه نگاهی کوتاه خواهیم داشت بر یازده فیلم خوب جشنواره سی و هفتم:

«سرخپوست»

همه چیز در «سرخپوست» سر جایش است و به اندازه و «سینما» شده. از کارگردانی گرفته تا فیلمبرداری و تدوین و موسیقی و طرح صحنه و بازی ها، فضا سازی فیلم درجه یک است و شخصیت سرگردش به شدت درآمده است. تنها ضعف فیلم، کم ملات بودن فیلمنامه و یکنواخت بودنش در بدنه اصلی است. جستجوی سرگرد برای پیدا کردن زندانی در یک سوم میانی کمی کشدار است و فیلمنامه نویس نتوانسته مواد و مصالح درست و درمونی برای ایجاد تعلیق هر چه بهتر، دست و پا کند.

فیلم به لحاظ بازی، تجربه ای است گرنهها برای نوید محمدزاده. نوید با ظرافت هایی که برای اجرای نقش سرگرد به کار گرفته، ثابت می کند بازی در سکوت را هم به خوبی بلد است.

«شبی که ماه کامل شد»

توقع نداشتم نرگس آبیار بتواند چنین فیلمی بسازد. یاد ندارم که هیچ یک از فیلمسازان زن سینمای ایران حتی در ذهن شان به ساخت چنین بیگ پروداکشنی حتی فکر کرده باشند.

آبیار موفق می شود از پس یک تریلر عاشقانه به خوبی برآید. فیلم نزدیک به ۱۴۰ دقیقه است، اما ریتم تند و فصل های تاثیرگذار و روند شخصیت پردازی طوری است که این تایم زیاد اصلا و ابدا به چشم نمی آید و حتی فصلی در فیلم نیست که اضافه به نظر برسد. همه چیز سر جایش است. «شبی که ماه کامل شد» هم در فیلمنامه - از معدود فیلمنامه های درست و درمونی با نقاط



چشم اندازی بر کلیت جشنواره سی و هفتم فیلم فجر

جریانی که متولد شده و حمایتی که آیا خواهد شد؟



مجیدی اردشیری

داستانک مورد پردازش قرار دادند که همین انتخاب، ایده های داستانی فیلمنامه های جشنواره امسال را در ترازوی قابل قبول تر به نسبت آثار بخش مسابقه دوره های قبلی جشنواره قرار داد.

در بخش بازیگری، اگر «علی نصیریان» (مسخره باز) را به عنوان بهترین بازیگر مکمل مرد و «فرشته صدرعرفایی» (شبی که ماه کامل شد) را به عنوان بهترین بازیگر مکمل زن، موارد محتوم سیمیرغ بدانیم، در عنوان برترین بازیگر زن و مرد جشنواره امسال، نمی توانیم بر روی موارد ثابتی اجماع داشته باشیم. بازی درخور توجهی در این دوره از جشنواره دیده نشد مگر اینکه بخواهیم بازی های خوب هوتن شکبیا (شبی که ماه کامل شد)، حامد بهداد (قصر شیرین)، پیمان معادی (متری شیش و نیم)، صابر ابر (مسخره باز)، نوید محمدزاده (سرخ پوست) و جواد عزتی (ماجرای نیمروز ۲: رد خون) را عالی تصور کرده و در نتیجه هم، این تنها سلیقه هیات داوران خواهد بود که معطوف به کدام یک از این بازی های یکسان بوده و سیمیرغ بهترین بازیگر نقش اول مرد را می دهند.

در بخش بهترین بازیگر نقش اصلی زن هم موارد، محدودتر از بخش مردان است. اگر «فاطمه معتمدآریا» را برای بازی در «بنفشه آفریقای» و «جان دار» متمایزترین حضور بازیگران زن در جشنواره امسال بنامیم، دیگر نام های پر تعدادی نداریم مگر اینکه بازی «مهناز افشار» (قسم)، الناز شاکر دوست (شبی که ماه کامل شد) و هدیه تهرانی (روزهای نارنجی) را بخواهیم برای نامزدهای این بخش انتخاب کرده و در این فهرست بگنجانیم. اما در مقابل، فیلم های بد جشنواره امسال کم نبودند. هم در بخش سودای سیمیرغ و هم در نگاه نو. کاملاً مشخص بود که برخی فیلم ها تنها برای

جشنواره فیلم فجر امسال، همان گونه که ادعا می شد دربردارنده آثار باکیفیت تری به نسبت چند دوره اخیر خود بود. هر چند که به اذعان یکی از اعضای هیات انتخاب، حدود ۷ فیلم بخش سودای سیمیرغ با اغماض در این بخش قرار گرفتند و اگر به اختیار آنها بودند، فهرست بخش رقابتی جشنواره با ۱۵ فیلم بسته می شد. هر چند که از میان همان ۱۵ فیلم واقعا اصلح، رقابت در سینماهای مردمی و البته کاخ جشنواره، میان نیمی از این تعداد آثار بود که برای آنها سانس های فوق العاده برگزار شده و گاه بلیت بازار سیاه نمایش آنها به ۱۰۰ هزار تومان نیز رسید.

با این وجود، فیلمی در جشنواره امسال وجود نداشت که بخواهد مخاطبش را کاملاً غافلگیر کند. البته که بیرون رفتن دوربین از چهار دیواری آپارتمان، قابل تقدیر بود و این انتخاب سوزه ها، نتایج بسیار خوبی هم به همراه داشت. یکی از آن نتایج که سبب حرفه ای تر شدن مدیوم سینما و قرار گرفتن آن بر بستر صنعتی شدن این حرفه بود، ساخت دکورهای حرفه ای برای چندین آثار مهم جشنواره امسال از جمله «سرخ پوست» و «مسخره باز» بود. داستان ها از محوریت قرار دادن مشکلات زناشویی و بحث خیانت، پرهیزی آگاهانه داشته و این قبیل بحث ها را به عنوان روایات موازی یا



خالی نبودن عریضه و اینکه کنداکتور روزهای جشنواره را پر کنند، وارد این دو بخش شده اند. در این میان اما صحبت یکی از اعضای هیات انتخاب مبنی بر عقب ماندن نسل قبلی کارگردانان به نسبت نسل جدید، کاملاً محسوس بود. نسل جدید کارگردانان، خیلی کمتر از نسل های قبلی، ذوق زده فیلمنامه هستند و در فرم، حرف های بسیاری برای گفتن دارند. کما اینکه در این دوره نیز شاهد ارتقای محسوس سینمای ایران در بخش های اجرایی بودیم. علی الخصوص در کارگردانی، فیلمبرداری و تدوین. کارگردانان جدید ترجیح داده اند که ایده های تازه ای در این سه بخش به کار گرفته و از روایات و اجراهای خطی پرهیز داشته باشند.

حرکتی که در جشنواره سی و هفتم آغاز شده، می بایست در دوره های بعدی منتهی به جریان و سبکی غالب در سینمای ملی شود که در غیر این صورت، می توان به بی برنامهگی مسئولان در خط دهی مناسب به این جریان و عدم حمایت از آن ایمان آورد. گرچه در برخی از موارد جشنواره امسال، تا حدودی بوی سیاست زدگی به مشام می رسید اما قطعاً آثار آن به مانند دوره های قبلی نبوده و حاکی از باز شدن تدریجی فضای پرداختی و انتخاب سوزه ها در فیلمنامه هاست. با ظهور نسل جدید و نگاه تجددخواهانه آنها، حالا باید توپ را در زمین مدیران سینمایی انداخت تا متوجه شد آنها تا چه اندازه در تعالی این جریان مصمم بوده و قافیه ممیزی ها و حمایت را به نفع سینماگران تغییر خواهند داد.

یادداشت

نگاهی به فیلم «سرخپوست» میان عشق و وظیفه!



سیدرضا صاصتی

نیما جاویدی در فاصله بین دو فیلم «ملبورن» و «سرخپوست» راهی طولانی را طی کرده و از فیلم اولش که متأثر از سینمای اصغر فرهادی بود (البته آن فیلم را هم دوست داشتم) به سینمای اورژینال و شخصی خود رسیده است. «سرخپوست» نه تنها نسبت به فیلم اول کارگردان، فیلم متفاوتی است که اساساً فیلم متفاوتی در سینمای ایران است که شبیه به آن را کمتر دیده ایم. «سرخپوست» در عین اینکه در بستر یک برهه تاریخی از تاریخ معاصر روایت می شود اما بیش از اینکه یک قصه تاریخی باشد یک قصه عاشقانه و موقعیت اخلاقی است که مستقل از ارجاعات سیاسی به روایت داستان خود می پردازد. قصه البته کوتاه است و یک خطی. زندانبانی پس از سالها کفایت در مدیریت زندان درست در زمانی که در آستانه یک ترفیع شغلی قرار گرفته با فرار یکی از زندانی ها مواجه می شود. پیدا کردن این زندانی فراری که به احمد سرخپوست شهرت دارد نه فقط یک جستجوی پلیسی برای کشف سوزه که فرصتی چالش برانگیز برای مکاشفه خود هم می شود و زندانبان را در یک چالش اخلاقی - رفتاری بین عشق و وظیفه قرار می دهد. زندانبان (نوید محمد زاده) به واسطه عشق و علاقه ای که به مددکار زندان (پریناز ایزدیار) پیدا می کند در یک موقعیت پیچیده اخلاقی قرار می گیرد. او برای رفع مانع در دریافت ترفیع شغلی اش باید زندانی فراری را دستگیر کند اما مددکاری که به او دل بسته تلاش می کند تا زندانی را فراری دهد و از این حیث یک مثلث اخلاقی عجیب شکل می گیرد. کشف زندانی از یک سو، رضایت مددکار از سوی دیگر و ترفیع شغلی و ارتقاء موقعیت حرفه ای اش که سالها برایش زحمت کشیده از سوی دیگر. این تقابل ها و وضعیت پارادوکسیکال، یک ریتم و تعلیق درونی در اثر به وجود می آورد که موجب می شود فیلم با وجود فضای سکون، لوکیشن ثابت و قصه کم حجمی که دارد به شدت مخاطب را با آن درگیر کرده و تا پایان قصه با خود همراه کند. پایانی که یکی از چالش برانگیزترین صحنه های فیلم است و کانون مناقشه بین منتقدان و مخاطبانی که فیلم را دیدند. بسیاری از دوستان منتقد این پایان را نپسندیدند و معتقد بودند که نعمت جاهد (نوید محمدزاده) باید احمد سرخپوست را تحویل می داد اما چند علت می توان برای توجیه رفتار او لحاظ کرد که به نظرم منطق این رفتار را توضیح می دهد. یکی اینکه جاهد نگران حکم ریاستش بود که پیش از شناسایی و دستگیری زندانی به دستش رسیده و خیالش را راحت کرده بود. دوم مساله علاقه او به مددکار (پریناز ایزدیار) که جاهد را در برزخ بین عشق و وظیفه قرار داده بود و او عشق را انتخاب کرد و بدست آوردن دل معشوق را بر ترفیع شغلی ترجیح داد. سوم اینکه در طول جستجو برای پیدا کردن زندانی، او متوجه بی گناهی سرخپوست شده بود و چه بسا رفتار خشنی که با دخترش داشت، مزید بر علت شده تا او با وجدان معذش روبرو شود و برای رهایی از عذاب وجدان، زندانی فراری را به حال خودش بگذارد. یک نکته دیگر هم وجود دارد که به روانشناسی مخاطب برمی گردد. به این معنا که تعلیق ایجاد شده درباره سرخپوست در طول فیلم، این انتظار را در مخاطب برمی انگیزد که بداند و ببیند احمد سرخپوست کیست و چه شکلی است و انگار فقدان نمایش چهره او و دستگیر نشدنش توی ذوق مخاطب می خورد. این دلیل آخر بر ساخته روانشناسی موقعیت است نه منطق درام. بر این اساس باید پایان فیلم را یکی از تکان دهنده ترین پایان های سینمای ایران دانست که مبتنی بر یک تحول ناگهانی در قهرمان قصه نیست و پشتوانه دراماتیک و روانشناختی دارد. از سرخپوست نمی توان حرف زد و چیزی از طراحی صحنه و قاب بندی های مسحور کننده آن نگفت و البته با یک نوید محمد زاده کاملاً متفاوت و کنترل شده که هر چه نقش از او دیدید را نقش برآب می کند و سوییچ دیگری از توان بازیگری خود را به نمایش می گذارد. «سرخپوست» خود سینماست، تماشای آن را از دست ندهید.

نمره قبولی محمدحسین لطیفی؛

تیم جدید «هفت» را حفظ کنید

اختیارشان نگذاشته اند که در جشنواره امسال کمتر با واژه های زننده در نقد فیلم ها مواجه می شویم. هفت «محمدحسین لطیفی» از خود پتانسیل بالایی نشان داده است. امیدواریم سرنوشت هفت فعلی مانند سال گذشته نباشد و لطیفی در طول سال نیز ادامه راهی که آغاز کرده است را در پیش بگیرد و مانند قبلی ها مهمان یکی دو شب این برنامه نباشد. از طرفی، محمدحسین لطیفی در این چند شب ثابت کرده است که اصل را بر پایه «احترام» گذاشته است و در برنامه اش توهینی به فیلمسازان... رخ نمی دهد و اگر انتقادی باشد، کاملاً منصفانه مطرح می شود و اساساً سعی دارد که حقی را کسی روی آنتن برنامه هفت ضایع نشود. جای خالی این دست مسائل، سال ها بود که در برنامه هفت که مدت های طولانی تبدیل به جایی برای ایجاد حاشیه و تسویه حساب های شخصی تبدیل شده بود، حس می شد. قطعاً سینمای ایران به تولید برنامه هایی از این دست نیاز مبرمی دارد تا مردم را به بدنه سینما نزدیک و نزدیک تر سازند؛ پس چه بهتر که مسئولان صدا و سیما و شبکه سه تیم جدید هفت را حفظ کنند. شک نکنید که با روند رو به رشد برنامه هفت و اعتدالی نقد و نقد نویسی، سینمای ایران هم پیشرفت خواهد کرد.

خودش ندید. «محمود گبرلو»، «پهروز افخمی» و «رضارشیدپور» دیگر چهره هایی بودند که پای در هفت گذاشتند و پس از تولید چندین برنامه، به راحتی کنار گذاشته شدند و دیگر به این برنامه باز نگشتند. ریشه این جا به جایی ها واقعا مشخص نیست؛ اکثر برنامه های تخصصی دنیا، یک مجری ثابت دارد که تمام زندگی اش را به پای آن برنامه می ریزد. مطمئن باشید که همین «تود» که مثالش را آوردیم، بدون «عادل فردوسی پور» هیچ گاه ادامه پیدا نخواهد کرد. یا از نمونه های خارجی آن می توانیم از «تخته گاز» یا «روز مسابقه» یاد کنیم که سال های سال است که مجری های ثابتی دارند و اصلاً تصور این برنامه ها بدون مجری هایشان ممکن نیست.

با شروع سی و هفتمین دوره جشنواره فجر اما، هفت مجری جدید خودش را شناخت. «محمدحسین لطیفی» تولید کننده تازه این برنامه تخصصی در حوزه سینماست. از حق نگذریم در این دهه شیعی که این برنامه روی آنتن تلویزیون رفته است، هم از نظر جذب مخاطب، هم از نظر برگزاری نشست های تخصصی سینما، هم در حوزه نقد فیلم و هم در حوزه تکریم فیلمسازان ایرانی بسیار موفق و مثمر ثمر واقع شده است. قطعاً در پشت صحنه سعی در کنترل منتقدین دارند و آن آزادی سابق را در

مهرداد تیموری - تلویزیون بدون تردید یکی از اثر گذار ترین پدیده های تاریخ روی افکار عمومی و مردم است. روی این حساب، جدی نگرفتن چنین پدیده ای کاملاً به ضرر همگان اعم از مسئولان و مردم تمام می شود. اصلاً بیراه نیست اگر بگوییم که برنامه سازی در تلویزیون یکی از سهل متعنت ترین کار های دنیاست؛ همانقدر که می تواند آسان به نظر برسد، سختی های طاقت فرسا و مرد افکنی نیز دارد که نمی توان آن را چه در حوزه فکری و چه در حوزه فنی نادیده گرفت. برنامه ای مانند «تود» وقتی در حوزه فوتبال بیست و اندی سال است که تولید می شود، محصول یک ارتباط دو طرفه مطلوب میان سازندگان و مخاطبان است.

سینمانیز از دهه هشتاد تصمیم گرفت تا مانند فوتبال در تلویزیون و شبکه پر بیننده سه، صاحب یک برنامه منظم و هفتگی شود و در یک برنامه چند ساعته تمام مسائل روز سینما در طول هفته را بررسی کند. این پروژه با زوج «فریدون جیرانی» و «مسعود فراسی» کلید خورد و الحاق موفق هم بود و توانست مسیر خوبی را آغاز کند. اما خب مساله ای که مسلم است، آسان بودن آغاز یک پروژه و تمام سختی قطعاً در ادامه دادن برنامه های این شکلی است. اما متأسفانه هفت جیرانی، توقیف شد و از بعد جدایی او از هفت، دیگر این برنامه پر پتانسیل سینمایی روی خوش به



2.0



نگاهی به فیلم «۲۳ نفر»

سوژه نابی که حیف شد

تلویزیونی به سود کشور خود بسازد و این نوجوانان را دستمایه فریب‌های سیاسی و پروپاگاندا خود کرد.

کتاب داستان «بیست و سه نفر» به چاپ شصت‌ام رسیده است و طبعاً قصه فیلم، آنقدر جذابیت دارد که تماشاگر عام را جذب کند. اما تنها مقایسه اجمالی صحنه‌های فیلم با کتاب، نشان می‌دهد که پرداخت تصویری تا چه خالی از جزئیات است و از طرفی تنها وفادار به کلیات کتاب باقی مانده است. برای مثال جایی که قرار است از بچه‌ها مصاحبه رادیویی گرفته شود و مصاحبه‌گر آن‌ها را وادار می‌کند سن خود را کمتر بگوید، در کتاب بسیار پرتنش روایت شده است. بچه‌ها ابتدا زیربار نمی‌روند و شلاق و کابل بر بدنشان فرود می‌آید، سپس آن‌ها را باد می‌زنند و صورتشان را می‌شویند تا در مصاحبه موجه به نظر برسند و در آخر هم با کلی چانه‌زنی مصاحبه را می‌گیرند. اما در فیلم کار به دوتا سیلی و پس گردنی ساده ختم می‌شود.

حذف و اضافه‌هایی داستانی در روند ماجراهای واقعی یکی از اصل‌های پیش‌نهادی در تکنیک اقتباس در سینما حتی به‌شکل وفادارانه‌اش است. در «۲۳ نفر» فصل‌ها و موقعیت‌ها در پی

جذاب و تاثیرگذارش، مخاطبین زیادی داشته است. به همین دلیل، انتظارات از تماشای اثر ساخته شده از روی این کتاب بسیار بالا می‌رود. فیلم «مهدی جعفری»، قرار است روایتی دراماتیزه از زندگی این بیست و سه تن باشد که در زندان‌های عراق سختی‌های زیادی را از سر گذراندند و سربلند ماندند. «۲۳ نفر»، مخاطب را سرگرم می‌کند اما فیلم برای مخاطبی که زیر و بم داستان آن کودکان نوجوانان را می‌داند، چیزی نیست فراتر از همان اطلاعات پیشین، که تلاش چندانی نیز برای نمایشی شدن آن‌ها نشده است.

فیلم بیست و سه نفر داستان گروهی از رزمندگان نوجوان ایرانی است که در جریان جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۶۱ به اسارت نیروهای عراقی درآمدند. این گروه کم سن و سال بین ۱۳ تا ۱۷ سال سن داشتند و اکثراً از تیپ ثارالله کرمان اعزام شده بودند و در اردیبهشت ۱۳۶۱ در مرحله مقدماتی عملیات بیت‌المقدس در مناطق مختلف جبهه اسیر شدند. صدام حسین و تیم نظامی‌اش تصمیم گرفته بود که با اسیر کردن این نوجوانان، با آنها یک سری شوی تبلیغاتی

محمد حسین سیفی - دومین و آخرین فیلم اقتباسی جشنواره سی و هفتم فجر، «بیست و سه نفر» نام دارد. فیلمی که منبع اقتباس اش کتاب بسیار مشهوری در ایران است و بخاطر سوژه



میزانسن‌های کارگردان کمک کرده‌اند. اما در کل می‌توان گفت که «۲۳ نفر» از تمام مجموعه‌هایی تلویزیونی و حتی برخی فیلم‌های سینمایی که اوج ساخته شدنشان در سال‌های هفتاد خورشیدی بود و به اصطلاح می‌خواستند رشادت رزمندگان اسیر شده در زندان‌های مخوف عراق را روایت کنند، چیزی فراتر ندارد؛ تنها شاید خوش‌رنگ‌ولعاب‌تر و خوش‌ساخت‌تر به نظر برسد که آن‌هم به شرایط تولیدش بازمی‌گردد و بنا به امکانات زمان خودش در مقایسه با آن آثار دو دهه پیش پیش‌رفتگی چشم‌گیر به‌شمار نمی‌آید.

با این همه، احتمالاً فیلم در اکثر قسمت‌های فنی و اصلی نامزد دریافت جایزه خواهد بود و احتمالاً تعداد زیادی سیمرخ نیز با خود به خانه ببرد.

هم می‌آیند و از منظر دراماتیک چفت و بست لازم و یک پیوند علی و معلولی میان‌شان برقرار نیست. می‌توان خیلی از فصل‌ها همانند تیمم کردن با خاک لباس‌ها که صحنه‌ای شعاری است، بازجویی در استخبارات که همراه است با شوخ طبعی‌هایی دل‌نشین، مصاحبه مطبوعاتی با خبرنگاران، دیدار با «صدام حسین» و رفتن به صلیب سرخ را با یکدیگر جابه‌جا کرد؛ بی‌آن‌که خللی در روند روایت داستان پدید آید.

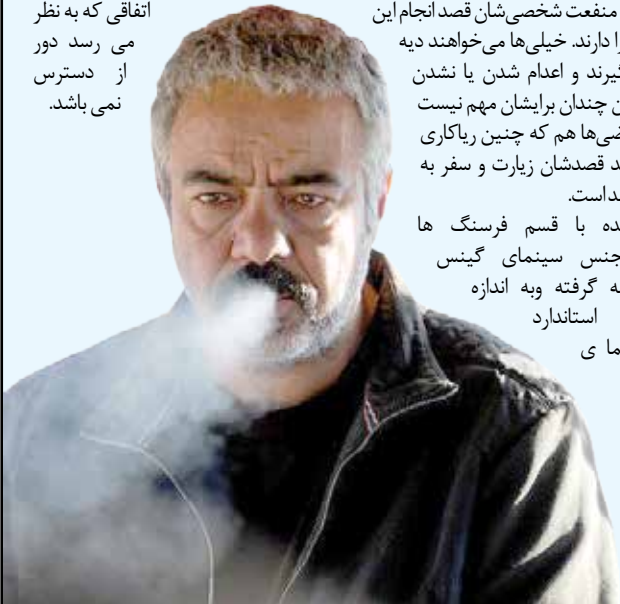
فیلم با در نظر گرفتن الگوهای ژانر کارگردانی استاندارد دارد و به‌ویژه می‌توان از فیلم‌برداری و نورپردازی «مرتضی قیدی» و طراحی صحنه «کامیاب امین‌عشایری» یاد کرد که جای بسی توجّه دارند و به ایجاد اتمسفر و فضای بهتر سینمایی در

نگاهی به فیلم «قسم»

چند قدم رو به جلو

اجتماعی با هویت و معنادار نزدیک تر می‌شود. روی این حساب به نظر می‌رسد که «نامزدی» در بخش‌های متعددی مثل «فیلمبرداری» و... حداقل توجهی است که می‌تواند به این فیلم شود تا به این واسطه بتوان از این فیلمساز جوان حمایت کرد و به او برای ساخت با قدرت فیلم‌های بعدی ترغیب کرد.

اتفاقی که به نظر می‌رسد دور از دسترس نمی‌باشد.



تنابنده انقدر حواسش بوده که آدم‌های درون آن اتوبوس را به میانه این چالش اخلاقی پرتاب کند تا هم میزان ریاکاری آن‌ها را نشان دهد و هم بگوید مفاهیم دینی مثل قسامه بطور بازیچه سودجویی انسان‌های طماعی مثل فامیل‌های راضیه می‌شود. تقریباً تمام کسانی که با راضیه همراه شده‌اند تا علیه بهمن قسم بخورند برای منفعت شخصی‌شان قصد انجام این کار را دارند. خیلی‌ها می‌خواهند دیه را بگیرند و اعدام شدن یا نشدن بهمن چندان برایشان مهم نیست و بعضی‌ها هم که چنین ریاکاری ندارند قصدشان زیارت و سفر به مشهد است.

تنابنده با قسم فرسنگ‌ها از جنس سینمای گینس فاصله گرفته و به اندازه‌های استاندارد سینما ی

قتل رضوان توسط بهمن در اتوبوس هم ریتم کار را حفظ کند و هم مجبور نباشد از اتوبوس به عنوان محل اصلی رخ دادن داستان خارج شود تا به پیوستگی آن لطمه بخورد. تنابنده با هوشمندی از این صحنه برای قرینه‌سازی با صحنه پایانی فیلم هم استفاده می‌کند. جایی که راضیه در موقعیت متفاوتی نسبت به زمان تماشای بازسازی صحنه قتل توسط بهمن قرار دارد و او که در ابتدا برای اعدام بهمن همه کار کرده بود حالا باید به فکر این باشد که از اعدام شدن همسرش جلوگیری کند.

«قسم» در میانه داستان یک پیچش اساسی دارد و توجه مخاطب را بیش از پیش به سوی خود جلب می‌کند. هر چه قصه جلو می‌رود گره‌های آن پیچیده‌تر می‌شود و چالش‌ها دوجندان. کارگردان با درامی معمایی و قرار دادن شخصیت‌ها در موقعیت‌هایی حساس فیلمش را به اوج می‌رساند و وقتی تمام می‌شود، مخاطب می‌ماند و سؤال‌هایی اساسی. این‌که آیا ما صلاحیت قسم داریم؟ شایسته قضاوت هستیم؟ محسن تنابنده برای فیلم دومش سوژه‌ای حساس انتخاب کرده و با هوشمندی آن را از لبه تیز عبور داده است. «قسم» حکم صادر نمی‌کند بلکه مخاطب را به‌طور غیرمستقیم به فکر وامی‌دارد.



1.5



در موارد وجود لوث (شک قوی)، شاکمی و متمهم یا اقوام و خویشاوندان مرد که پیوند خونی با آن‌ها دارند، می‌توانند با سوگند خوردن موجب محکومیت یا براءت کسی از اتهام ارتکاب جنایت شوند.

در فیلم «قسم» زنی به نام راضیه (مهناز افشار) اقوام درجه‌یک خود را از گرگان سوار بر اتوبوس کرده تا در دادگاهی که قرار است در مشهد برگزار شود علیه متمهم قتل خواهرش قسم یاد کنند. بخش‌های ابتدایی فیلم به رونمایی از شخصیت‌ها اختصاص دارد اما خیلی زود متوجه می‌شویم ماجرا از چه قرار است. برگ برنده را تنابنده همین‌جا رو می‌کند که اجازه نمی‌دهد مخاطب بیش از اندازه در انتظار اطلاع از اصل ماجرا باشد.

تنابنده به خوبی توانسته با ایده‌هایی جذاب مثل نمایش فیلم بازسازی صحنه

روی کاغذ قسم فیلمی نبود که بتوان آن را یکی از امیدهای درخشش در جشنواره امسال دانست. ترکیب بازیگران، خلاصه داستان و سابقه کارگردانی محسن تنابنده در سینما از جمله عواملی بودند که تماشاگر را مشتاق تماشای این فیلم نمی‌کرد. اما برخلاف انتظارات و توقعات قسم فیلم را غافلگیرکننده‌ای بود. قطعاً نمی‌توان فیلم را یک شاهکار سینمایی دانست اما می‌توان از آن دفاع کرد و تلاش تنابنده را برای روایت یک داستان متفاوت ستود.

داستان فیلم «قسم» بر اساس یک حکم فقهی - حقوقی شکل گرفته است. تنابنده در این فیلم قسامه را مبنای درام قرار داده و داستان را بر اساس آن پیش برده است. قسامه در لغت به معنی سوگند و سوگندخوردگان است. از لحاظ فقهی و حقوقی نیز روشی است که با استفاده از آن،



نگاهی به فیلم «جان دار»

1.5



فیلمی با پایان رها شده!

معجزه در اجرا بود تا فیلم در نهایت بتواند گلیم خودش را از آب بکشد و فیلم خوبی شود. اما خب نمی توان از دو جوان فیلم اولی انتظار معجزه ای در کارگردانی داشت. به همین دلیل، دو فیلمساز جوان تنهاسعی دارند که به دور از هرگونه حرکت اضافه ای در فرم، فیلمنامه را در کمال وفاداری جلوی دوربین ببرند و به تصویر بکشند که همین اتفاق هم میفتد. این اجرای متوسط باعث شده است که هیچ کدام از صحنه های «جان دار» در ذهن مخاطب نقش ببندد و با خروج مخاطب از سینما، تقریباً فیلم به فراموشی سپرده خواهد شد. با این همه اما، فیلم در بخش «نگاه نو» با توجه به دیگر فیلم های حاضر در این بخش در تمامی بخش ها نامزد خواهد بود اما با وجود رقیب سرسختی مثل «مسخره باز» و...، بعید است در بخش چندانی در جوایز داشته باشد.

مشخص برای قصه و کاراکتر هایشان نداشتند. نتیجه این می شود که پایان فیلم کاملاً رها شده است. این عدم جسارت در بستن داستان هایمان، معضل بزرگی است که گریبان گیر سینمای ایران شده است و از آن بدتر، فیلمسازان جوان ما نیز به این سمت سوق داده شده اند و هر چیزی را زیر بیرق «پایان باز» پذیرفته و تحویل مخاطب می دهند.

اجرای کاملاً متوسط
در فیلم هایی که اصل بر قصه است، اگر یک قصه محکم و استنادی وجود نداشته باشد باید منتظر یک

خانواده و به انتخاب های او وابسته است اما اتفاقی که در فیلمنامه و شلوغی آن افتاده باعث شده تا نویسندگان کاملاً از خواهر غافل شوند و نتوانند از پتانسیل بالقوه آن نهایت استفاده را ببرند. نتیجه این شده است که حتی وقتی شخصاً سراغ یاسر (جواد عزتی) می رود تا نشان داده شود که خواهر کاراکتر منفعلی در فیلمنامه نیست، فیلمساز نمی تواند کنشی برای او طراحی کند و ما تنها جولان یاسر را در این صحنه شاهد هستیم؛ گویی نویسندگان اثر نیز خود مقهور کاراکتر قدرتمند یاسر شده اند و تمام توانشان را برای پیشرفت هرچه بیشتر او در فیلمنامه به کار بسته اند. اینگونه می شود که با حذف کاراکتر خواهر که اساساً باید از شخصیت های پیشبرنده داستان باشد، هیچ اتفاقی در فیلمنامه رخ نمی دهد و این ضعف بزرگی برای فیلم است.

این ناتوانی نویسندگان در پیشبرد قصه و اضافه کردن خرده پیرنگ های مختلف برای پیدا کردن راه حلی برای این مشکل، باعث شده که از همان اوایل نیمه دوم فیلم بتوان حدس زد که قرار است با پایانی در فیلم مواجه نشویم که متأسفانه همین اتفاق هم میفتد و عملاً هیچ پایانی در فیلم وجود ندارد. بحث سر «پایان باز» و «پایان بسته» اصلاً نیست؛ فیلم عملاً هیچ پایانی ندارد که بتوان در مورد باز یا بسته بودن آن صحبت کرد و می توان گفت که فیلمسازان جوان ما، کوچکترین جسارتی برای ترسیم یک سر نوشت

خلاصه داستان
در ابتدای فیلم و درست وقتی که خانواده ای با بازی «حامد بهداد»، «مسعود کرامتی»، «باران کوثری»، «فاطمه معتمدآریا»، «علی شادمان فر»، «احمد قزوینی» مشغول عروسی دختر خانواده هستند، یک درگیری بر سر یک زخم کهنه که حاصل یک عشق قدیمی بوده است رخ می دهد و در نهایت به دست خانواده ای که در حال برگزاری عروسی بوده است یک قتل اتفاق می افتد و برادر خواستگار قبلی دختر خانواده کشته می شود. و حالا فیلم در مورد کشمکش میان دو خانواده است...

چرا «جان دار» فیلم خوبی نیست؟
این فیلم به عنوان یک اثر فیلم اولی کاملاً قابل اتکا و احترام است و فیلمسازان جوان آن شایسته تقدیر هستند اما «جان دار» اساساً در روایت داستانش لکنت دارد. فیلم موفق می شود که موقعیت، خانواده ها و... را به خوبی معرفی کند و مساله اش را طرح کند، اما در روایت و ادامه دادن آن کاملاً دچار مشکل می شود. کاملاً مشخص است که نویسندگان برای حل کردن مشکلی که با آن رو به رو بودند، سعی داشتند با اضافه کردن خرده پیرنگ های تازه جان دوباره ای به اثر ببخشند اما این مساله باعث شد که با جلورفتن فیلم تنها سرگیجه صاحبان اثر در پیشبرد قصه بیشتر شود و خرده پیرنگ های جدیدی مثل «تاتی بودن» باعث نمی شود که قصه از آب و گل در بیاید. علاوه بر این، تمام قصه حول کاراکتر خواهر

محمدحسین سیفی - «حسین امیری دوماری» و «پدرام پورامیری» به عنوان کارگردانان اثر، در اولین فیلم سینمایی خود سراغ یک سوژه اجتماعی رفتند و سعی داشتند که این سوژه را با نگاهی کاملاً رئالیستی مورد بررسی قرار دهند. اتفاقی که آن چنان هم عجیب و دور از ذهن نیست و هر ساله تعداد زیادی فیلم به این صورت تولید می شوند که بخاطر تنش زا بودن موضوعاتشان، با استقبال نسبی مخاطبین نیز همراه می شود؛ کما اینکه همین فیلم نیز جزو هفت فیلم برتر از نگاه مخاطبین قرار داشت و در روزهای پایانی بود که از گردونه رقابت مردمی کنار رفت. مطابق انتظار، دو کارگردانی که اولین تجربه شان را جلوی دوربین می برند، اصلاً سعی در خودنمایی یا تجربه گرایی نداشتند و بیشترین سعی آن ها روی این مساله بود که بتوانند آموخته هایشان را تمام و کمال اجرا کنند تا خروجی آن در نهایت یک اثر استاندارد باشد. اما این فاصله گرفتن از ناخودآگاه تجربه گرای انسان، کار دست فیلمسازان «جان دار» داده است چرا که این فیلم بسیار وابسته به فیلم های رئالیستی پیش از خودش است؛ چه در اجرا و چه در فیلمنامه، کاملاً ردپای سینمای فیلمسازان اجتماعی محبوب سال های اخیر همچون «صفر فرهادی»، «وحید جلیلود» و... دیده می شود و ظاهر دو جوان تازه کار سینمای ما سعی کردند به ترکیب برنده آن ها فیلم دست زنند تا بتوانند حداقل برگشت سرمایه در گیشه را تضمین کنند.

- این فیلم به عنوان یک اثر فیلم اولی کاملاً قابل اتکا و احترام است و فیلمسازان جوان آن شایسته تقدیر هستند
- اما «جان دار» اساساً در روایت داستانش لکنت دارد. فیلم موفق می شود که موقعیت، خانواده ها و... را به خوبی معرفی کند و مساله اش را طرح کند، اما در روایت و ادامه دادن آن کاملاً دچار مشکل می شود.





«دنیای هوادار» انتخاب کرد؛

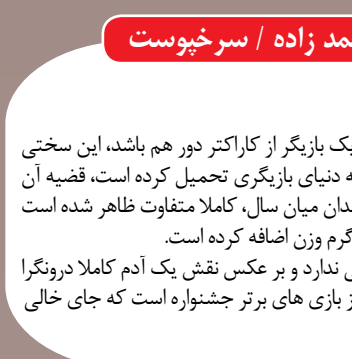
۵+۵ بازیگر برتر زن و مرد در جشنواره ۳۷



حامد بهداد / قصر شیرین

در اوج بلوغ و پختگی!

آخرین باری که «حامد بهداد» یک بازی درجه یک از خودش به جای گذاشته بود و تحسین همگان را برانگیخته بود، احتمالاً باز میگردد به سال ۱۳۸۹ و بازی در فیلم «جرم» ساخته مسعود کیمیایی. پس از این فیلم اما، کارنامه هنری بهداد پر بود از نقش آفرینی های متوسط که یکی دو بار مثل فیلم «سد معبر» به سمت بازی خوب حرکت کرد و در مواردی مثل «هفت ماهگی» اصلاً کیفیت همیشگی را نتوانست داشته باشد. در اکثر نقش آفرینی های حامد بهداد اما، برون گرایی و عصبانیت دو خصیصه ثابت بوده است که باعث شده وقتی نام حامد بهداد می آید، بیشتر از هر چیز یاد سکانس های درگیری او در فیلم ها بیفتیم. در این دوره اما، حامد بهداد با جلال «قصر شیرین» به جشنواره فجر آمده است. کاراکتری که کوچکترین خشونت اضافی رفتاری ندارد و این مساله باعث شده است که یک بازی درخشان کنترل شده پس از سال ها از حامد بهداد شاهد باشیم. نقش آفرینی بهداد در قصر شیرین، بدون تردید او را دوباره به دوران اوج بازگردانده است و روی جدیدی از هنرنمایی او را به رخ می کشد. به احتمال زیاد باید شاهد کاندیداتوری او برای سیمرغ باشیم.



نوید محمد زاده / سرخپوست

متفاوت تر و دیدنی تر از همیشه!

بازی کردن کاراکتری که در حالت عادی بیش از ده سال بزرگتر از بازیگر است، بسیار سخت به نظر می آید. وقتی فیزیک بازیگر از کاراکتر دور هم باشد، این سختی دو چندان می شود. اما وقتی پای استعدادی مثل «نوید محمد زاده» وسط باشد که در سال های اخیر خودش را حسابی به دنیای بازیگری تحمیل کرده است، قضیه آن قدر ها هم برای مخاطب غیر قابل هضم و سخت به نظر نمی رسد. نوید محمد زاده در «سرخپوست» و در قامت یک رئیس زندان میان سال، کاملاً متفاوت ظاهر شده است اما این تفاوت کوچکترین خدشه ای به هنرنمایی او وارد نکرده است. گفته می شود که حتی محمدزاده برای این نقش ۱۲ کیلوگرم وزن اضافه کرده است. نوید محمد زاده که بیش از این در قامت کاراکترهای خشن و برون گرا دیده می شد، در «سرخپوست» نقش او کوچکترین پرخاشی ندارد و بر عکس نقش یک آدم کاملاً درونگرا را بازی می کند که سکوت های متعددی را باید در بازیش راه بدهد. بی تردید بازی کنترل شده و دقیق محمد زاده در این فیلم، یکی از بازی های برتر جشنواره است که جای خالی چنین نقش آفرینی ای در کارنامه محمدزاده نیز به چشم می آید.



امین حیایی / درخونگاه

سامورایی زخمی و وطنی!

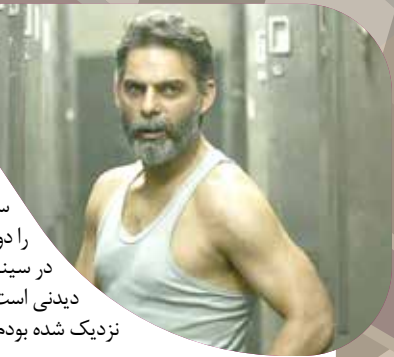
امین حیایی سال ها است که استعداد و پتانسیل بالایش را در عرصه بازیگری به اثبات رسانده است؛ منتهی مشکل در جایی بود که وی همیشه با نسنجیده ترین و بدترین انتخاب های ممکن همیشه بزرگترین دشمن خود بود و به نوعی با ایفای نقش در فیلم های شانه تخم مرغی و بعضاً مشکل دار، روز به روز بر قسمت ضعیف کارنامه اش افزود. خوشبختانه روند او از سال گذشته و با فیلم «شعله ور» تغییر کرده و شاهد بلوغ فکری و هنری او بوده ایم. حال پس از یکسال، دوباره در مهم ترین رویداد سینمایی کشور خوش درخشیده است. امین حیایی در «درخونگاه» همانی است که باید باشد. یک برادر غیرتی، مردی زخم خورده، رقیبی با مرام و شماییلی از جوانانی که در دهه شصت و هفتاد برای کار و کسب درآمد به ژاپن سفر کرده و بازگشته اند. یک سامورایی وطنی با جزئیات و پرداخت ها و آکسان های درست از حیایی که بی شک او را به یکی از شانس های دریافت سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اصلی مرد تبدیل کرده است. «رضا میثاق» درخونگاه با تمام زخم هایش از سفر برگشته و این بار در کمال ناباوری بدترین زخم ها را از نزدیک ترین افرادی که حتی در تصورش هم نیست می خورد.



پیمان معادی / متری شش و نیم

بهترین بازی عمر!

اگر کوچک ترین تردیدی در دل و ذهن دارید که پیمان معادی بهترین بازی عمرش را در «متری شش و نیم» ارائه داده است، کافی است تا اکران عمومی این فیلم صبر کنید و سپس خودتان قضاوت کنید. به زعم نگارنده، وی یکی از اصلی ترین شانس های دریافت سیمرغ بازیگر نقش اول مرد خواهد بود. سرگرد صمد مجیدی یک پلیس واقعی است. همان پلیسی که سال های سال سینمای ایران به آن نیاز داشت تا مخاطب با آن همراه شود و با تمام خوبی و پلشتی هایش او را دوست بدارند. پیمان معادی فارغ از تمام کلیشه های رایج در نقش پلیس در سینمای ایران که ارائه یک نقش تماماً مثبت، انسانی کامل و خوب در حد کمال (!) چیزی که در سینمای ایران مرسوم بوده است- و البته با کمک و هدایت سعید روستایی به خوبی از پس نقش اش برآمده است. اولین فصل رو در رو شدن وی با ناصر خاکزاد در زندان بسیار دیدنی است. معادی در خصوص این نقش گفته است: «یک مابه ازای واقعی داشتیم که یک فرد نظامی با ۲۵ سال خدمت بود که هر روز سر فیلمبرداری می آمد. حتی با وی آنقدر نزدیک شده بودم که برای باز و بسته کردن کلت تمرین می کردیم و کری داشتیم.»



هوتن شکبیا / شبی که ماه کامل شد

از تئاتر تا سینما؛ او فقط «می در خشد»!

از معدود نقاط قوت آخرین ساخته نرگس آبیاری، بازی های یکدست و درخشان آن و گل سربدشان «هوتن شکبیا» است. عبدالحمید قسه که اتفاقاً پرداخت نسبتاً درستی هم دارد با اجرای بی نقص و بی کم و کاست هوتن شکبیا به تکامل می رسد. از دلایل اصلی که شاید مخاطب فیلم را تا انتها ببیند و این خستگی ناشی از زمان طولانی فیلم را به جان بخرد هم همین است؛ بازی زیر و رو شده هوتن شکبیا. او که همواره توانایی هایش در عرصه تئاتر به اثبات رسانده بود، این بار در متفاوت ترین نقش خود در عرصه تصویر موفق عمل کرده است و یکی از پر جزئیات ترین و دقیق ترین و البته بهترین بازی های جشنواره را ارائه داده است و با توجه به شرایط فیلم هم بعید نیست که سیمرغ بگیرد. هوتن شکبیا با اجرای درستش حتی ضعف های فیلمنامه را هم پوشش داده است. عبدالحمید که میان عقل و احساس و یا به عبارتی عشق اش «فائزه» و افراطی گرایی های برادرش گیر کرده است تا آخر قصه در میان این تردید گیر کرده و از آن رهایی ندارد. او نه مطلقاً سیاه است و نه سفید. همانطور که زود مرعوب هوچی گری هایی برادرش می شود، تا همانقدر هم دلتنگ و دلسوز نگاه غم زده فائزه می شود و چه دقیق و با ظرافت اجرا می کند هوتن شکبیا آن نگاه های عاشقانه را...





سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر امروز به پایان می‌رسد. با احترام به سه فیلم «آشفته گی»، «حمال طلا»، «ماجرای نیمروز: ردخون» که هنوز در سینمای رسانه به نمایش در نیامده‌اند، «دنیای هوادار» به انتخاب ۵ بازیگر برتر زن در سی و هفتمین

جشنواره فیلم فجر پرداخته است. جای بسیاری دیگر از بازیگران به ویژه در بخش مردها خالی است که می‌توانستند در این لیست حضور داشته باشند؛ از «علی نصیربان» در «سرخه باز» گرفته تا «رضا بابک» در «بنفشه آفریقایی» و حتی «سام درخشانی» در «پالتو

شتری» که بازی‌های قابل‌اعتنایی ارائه دادند اما انتخاب محدود است و ملاک اصلی «دنیای هوادار» شخصیت پردازی، اجرای دقیق و روند تاثیرگذاری شخصیت‌ها در قصه است. گفتنی است که این انتخاب‌ها بدون رتبه بندی و اولویت خاصی انتخاب شده‌اند.

فاطمه معتمد آریا / جان دار

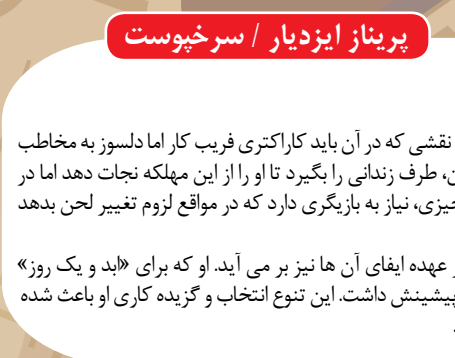
درخشش همیشگی خانم بازیگر!



خانم بازیگر با حضور در دو فیلم سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر، از مرز ۵۰ نقش آفرینی سینمایی عبور کرد و حالا کارنامه او با کوله باری از تجربه به خانه ۱۵۱ رسیده است. نقش آفرینی او در این جشنواره برای دو فیلم «جان دار» ساخته امیرحسین دوماری و پدرام پورامیری و همچنین فیلم «بنفشه آفریقایی» ساخته مونا زندگی بوده است که «فاطمه معتمد آریا» کماکان مانند دوران اوجش مانند یک بازیگر جوان و با انگیزه می‌درخشد و به جوانان درس بازیگری و گذاشتن پاساژ میان دیالوگ‌ها و لحظه‌هایش می‌دهد. «نوبر کردانی» سینما، امسال با دو نقش متفاوت در جشنواره حاضر شده است که هر کدام جزئیات خاص خود را دارند. اما بازی معتمد آریا چه در فیلم «جان دار» و چه در فیلم «بنفشه آفریقایی» از نکات تاثیرگذار و مثبت هر دو فیلم است به گونه‌ای که حتی در فیلم بنفشه آفریقایی، بازی معتمد آریا از سایر بازیگران این فیلم یک سر و گردن بالاتر است و تمام بار درخشش فیلم روی دوش معتمد آریا افتاده است و خانم بازیگر نیز به هیچ وجه کارگردان را در این مسیر ناامید نکرده است. در فیلم جان دار نیز، معتمد آریا به خوبی از پس نقش پیچیده اش برآمده است.

پریناز ایزدیار / سرخپوست

زیر سایه شک و تردید!



از کاراکترهای پیچیده جشنواره سی و هفتم، بدون تردید کاراکتر مددکار زندان فیلم «سرخپوست» است. نقشی که در آن باید کاراکتری فریب کار اما دلسوز به مخاطب نشان داده شود. مددکاری که به رئیس زندان باید خیانت کند و در کشمکش میان زندانی فراری و زندان بان، طرف زندانی را بگیرد تا او را از این مهلکه نجات دهد اما در همین حین باید اعتماد و علاقه رئیس زندان را نیز به سمت خود جذب کند. چنین کاراکتر جذاب و پرافت و خیزی، نیاز به بازیگری دارد که در مواقع لزوم تغییر لحن بدهد و فریب کاری آمیخته با جلب اعتماد را به خوبی به نمایش بگذارد. ایزدیار در سال‌های اخیر ثابت کرده است که ارائه نقش‌های متفاوت هیچ گونه ابایی نداشته است و تا حد زیادی از عهده ایفای آن‌ها نیز بر می‌آید. او که برای «ابد و یک روز» موفق به دریافت سیمرغ شده بود، در انتخاب بعدی سراغ نقش آفرینی در «ویلایی‌ها» که اساسا تفاوت زیادی با کارهای پیشینش داشت. این تنوع انتخاب و گزیده کاری او باعث شده است که خیلی راحت بتواند مهارت‌هایش را به نمایش بگذارد و در سرخپوست نیز به خوبی توانسته از عهده این نقش بر بیاید.

سه‌ها نیاستی / سال دوم دانشکده من

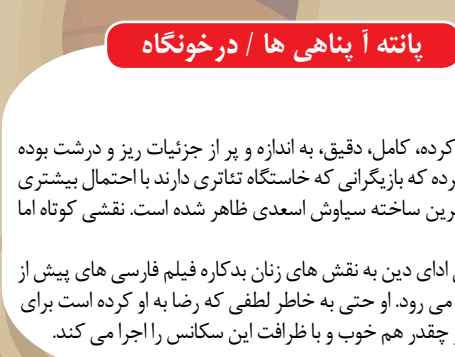
کشف جدید رسول صدرعاملی!



قطعا یکی از تخصص‌های «رسول صدرعاملی» در سینمای ایران، کشف و معرفی بازیگران و استعداد های جوان به سینمای ایران است. او که سال‌ها پیش «ترانه علیدوستی» و «پگاه آهنگرانی» را در دهه هشتاد به سینمای ایران معرفی کرد، امسال پس از نه سال فیلم جدیدی ساخت و دوباره برای نقش‌های اصلی فیلمش سراغ دختران جوان با استعدادی رفت که دنبال فرصت برای بروز استعدادهایشان هستند. «سه‌ها نیاستی» یکی از همین جوانان با استعداد است که برای اولین بار مقابل دوربین صدرعاملی قرار گرفت و نقش مهتاب خوب بخت را بدون کوچکترین ایراد فاحشی در بازیگری ایفا کرد. نیاستی پیش از «سال دوم دانشکده من» هیچ گونه تجربه بازیگری نداشته است و قطعا بازی در یک فیلم سینمایی آن هم به عنوان نقش اول برای چنین آدمی، به هیچ وجه کار آسانی نیست. اما نیاستی جواب اعتماد صدرعاملی را به خوبی داده است و تا حد زیادی جزئیات نقش را به خوبی از آب و گل در آورده است و مخاطب به هیچ وجه احساس نمی‌کند که سه‌ها نیاستی یک بازیگر آماتور و بی تجربه است. از این رو، کمترین تشویق او برای این نقش آفرینی می‌تواند نامزدی سیمرغ نقش اول زن باشد.

پانته آ پناهی‌ها / در خونگاه

کارزماتیک مثل همیشه!



پانته آ پناهی‌ها از آن دست بازیگرهای شش‌دانگی است که طی این سال‌ها در تمام نقش‌هایی که ایفا کرده، کامل، دقیق، به اندازه و پر از جزئیات ریز و درشت بوده است که البته کارزماتیک چهره و ظاهری اش هم در این موضوع نقش اساسی داشته است. اساسا تجربه ثابت کرده که بازیگرانی که خاستگاه تئاتری دارند با احتمال بیشتری در سینما موفق و ماندگار می‌شوند و پناهی‌ها هم از این قاعده مستثنی نیست. وی در نقش «شهرزاد» در آخرین ساخته سیواوش اسعدی ظاهر شده است. نقشی کوتاه اما تاثیرگذار به درازای فیلم. شهرزاد که برای فرار از دست ماموران پلیس نزد رضا پناه می‌آورد، ابتدا اینگونه تصور می‌شود که کاراکتر وی به نوعی ادای دین به نقش‌های زنان بدکاره فیلم فارسی‌های پیش از انقلاب است اما رفته رفته با جزئیات دیگری از شخصیت او آشنا می‌شویم. او اگر محبتی از کسی ببیند تا آخر رفاقت را می‌رود. او حتی به خاطر لطفی که رضا به او کرده است برای انجام خواسته او به آسایشگاه روانی می‌رود تا نیاز اساسی رفیق رضا (با بازی درخشانی نادر فلاح) «زن» هست را برطرف کند و چقدر هم خوب و با ظرافت این سکانس را اجرا می‌کند.

فرشته صدرعرفایی / شبی که ماه کامل شد

بدون شخصیت پردازی درخشیدن هنر است!



«قبل از شروع نقشم یعنی ۲ هفته یا بیشتر زمان داشتم که در بلوچستان با مردم و زندگی‌شان آشنا شوم که آنها با بزرگواری من را به منزلشان راه دادند و بر سر سفره‌شان مهمانم کردند من نیز به عروسی‌شان رفتم و از رفتارهایشان در خانواده و کوچه و خیابان الگو برداری کردم.» این‌ها بخشی از سخنان فرشته صدرعرفایی برای ایفای نقش «غمناز» در فیلم «شبی که ماه کامل شد» است و به خوبی گواه تمرین، مطالعه و تلاش فراوان وی برای رسیدن به نقش و اساسا زندگی با آن کاراکتر است. ناگفته نماند که گریم و چهره پردازی وی هم به قدری خوب و تاثیرگذار درآمده است که تشخیص وی در اوایل فیلم برای بسیاری از مخاطبان کار سختی بود؛ البته قابل ذکر است که به عقیده نگارنده، کاراکتر «غمناز» در این فیلم مشکلاتی در پرداخت دارد و اساسا کاراکتری است که نه کنش دارد و نه واکنش، چرا که تا نیمه دوم فیلم اگر از فیلم حذف هم بشود اتفاق خاصی برای فیلم رخ نمی‌دهد! اما توانایی‌های بلقوه صدرعرفایی این کاراکتر را زنده نگه می‌دارد. او که از افراطی‌گری‌های پسر بزرگش به ستوه آمده از هیچ تلاشی برای کمک به فائزه و نجات او دریغ نمی‌کند.



نگاهی به فیلم «سرخپوست»

3.5

★★★★

سینمای ایران هنوز زنده است

محمدحسین سیفی

تقریباً داشتیم عادت می کردیم به اینکه فیلمسازهای ایرانی جز اینکه ادامه دهنده راه و موج بوجود آمده توسط فیلمسازان پیشین خود باشند، چیزی برای ارائه از نظر هنری و سینمایی نداشته باشند. در همین جشنواره نیز، تعداد فیلم هایی که می شد رد و نشان فیلمسازان پا به سن گذاشته ایرانی مثل «مسعود کیمیایی» و یا حتی نمونه های خارجی، دیده می شد. یادمان نرود که بهترین فیلم جشنواره سال گذشته یعنی «مغزهای کوچک زنگ زده»، علیرغم اینکه فیلم خوبی بود اما اجرای آن در بهترین حالت یک نمونه دسته دوم ترکیبی از فیلم های روز و معروف دنیا مثل «شهر خدا»... بود و اساساً این مساله برای تولیدات سینمایی کشوری مثل ایران که تولیدات نسبتاً انبوهی دارد، اتفاق خوشایندی نیست.

اولین اتفاقی که در مورد «سرخپوست» قبل از هر چیز جلوه گری می کند، مستقل ایستادن اثر نسبت به تمام فیلمسازان و آثار پیش از خودش است. «نیما جاویدی» در این فیلم، به یک زبان مخصوص به خودش چه در روایت و چه در کارگردانی رسیده است و هر اتفاقی که مخاطب به تماشای آن می نشیند، اساساً سینمای خالصی است که از ناخودآگاه صاحب اثر بیرون کشیده شده است و دیگر نه خبری از جهان کیمیایی است، نه خبری از فرهادی زدگی است و نه خبری از مکث های طولانی کپارستی است. «سرخپوست» سینمای ناب ایرانی است.

خلاصه داستان

«سرخپوست» ماجرای چند ساعت پایانی یک زندان در دهه چهل شمسی است که به دلیل احداث خطوط جدید فرودگاه محکوم به تخریب است. این تخریب زود هنگام، موجب شده است که اهالی زندان مجبور به جا به جایی به مکانی جدید باشند. در حین این جا به جایی یکی از زندانیان خودش را پنهان می کند تا بتواند از اعدامش جلوگیری کند.

چرا سرخپوست فیلم خیلی خوبی است؟

در وهله اول ما با یک فیلم اساساً «مهندسی شده» طرفیم. همه چیز در این فیلم محاسبه شده است؛ از قصه ی معمایی اثر که پایه و اساس فیلم است و اگر نبود عملاً همه تلاش های فیلم روی هوا می بود تا طراحی صحنه «محسن نصراللهی». از اندازه قاب هایی که کارگردان بسته است تا موسیقی متن به موقع و اندازه «رامین کوشا». یکایک اجزای فیلم از فیلمنامه تا تصویر، محصول یک تفکر و مهندسی است که نشان می دهد کارگردان برای لحظه به لحظه فیلمش برنامه ریزی دقیقی داشته است. همین مساله که فیلمسازان ساختن یک اثر سینمایی را تا بی برنامهگی تقلیل می دهند، خودش یکی از فجایع سینمای ایران در سال های اخیر بود که سرخپوست در همین گام نخست، به خوبی نشان می دهد که یک اثر کاملاً جدی است. اما ماجرا به همین جا ختم نمی شود.

قاعدتاً فیلم های مهندسی شده که نظم خاصی دارند، این پتانسیل را بالقوه دارند که از «حس» خالی باشند. اتفاقی که در سرخپوست می افتد کاملاً برخلاف این مساله است و امکان ندارد که مخاطب در دقایقی از فیلم با کاراکتر رئیس زندان و در دقایق پایانی با زندانی فراری همذات پنداری نکند و بتواند جلوی بغضش را بگیرد. علاوه بر این، فیلم مملو از صحنه های خاص عاشقانه ایست که مخاطب را سر ذوق می آورد. اما در تمام این صحنه های احساسی، ردپای میزانسن های حساب شده و دقیقی به چشم می خورد که فیلم را به اثری یگانه در سینمای ایران تبدیل می کند.

فیلمنامه دقیق، اجرای دقیق تر

بدون تردید از بزرگترین معضلات سینمای ایران، خلا فیلمنامه های استاندارد و با کیفیت است. اتفاقی که اساساً کوچکترین محلی از اعراب در فیلم «سرخپوست» ندارد و با یک فیلمنامه کاملاً اصولی و درست طرف هستیم که وقتی نام کارگردان به عنوان نویسنده نیز به چشم می خورد، نشان می دهد که نیما جاویدی تنها کسی است که با اثر زندگی کرده است. در ظاهر باید فیلمنامه اثر را در ژانر معمایی دسته بندی کرد اما فیلمنامه پر از پل هایی است که مخاطب را به لایه های زیرین اثر که لبریز از عشق، انسانیت، درگیری با خود، نقد اجتماعی و... است می رساند. اتفاق مهمی که این فیلمنامه را به چیزی فراتر از خوب بدل کرده است، این است که فیلمساز کوچکترین عجله ای برای بیان هیچکدام از مفاهیم لایه های زیرینش ندارد و سر فرصت اجازه می دهد که یکایک آن ها در اثر عمل بیایند تا اینگونه نه تنها

مانند یک وصله ناجور به نظر نیاید

«سرخپوست» نمی افتد. فیلم در اجرا نیز مملو از موتیف هایی است که تازه پس از پایان اثر مخاطب معنای یکایک آن ها را متوجه می شود. از «چوبه دار»ی که مدام در فیلم دیده می شود تا حرکت های دوربین، از نام «سرخپوست» تا مداد قرص داده شده توسط مددکار زندان با بازی «پری ناز ایزدیار» به رئیس زندان، همه و همه در کنار موسیقی متن شاهکار «رامین کوشا» که به طور تکرار شونده در صحنه های حساس به گوش می خورد، باعث شده تا فیلم را چندین پله بالاتر از فیلمنامه ببرد.

تک تک نکات اجرای اثر از میزانسن تا طراحی صحنه، همه و همه در خدمت ساختن هر چه بهتر فیلمنامه هستند. دلم نمی آید از میزانسن پایانی اثر چیزی نگوییم و یادداشت را به پایان ببرم؛ بدون اینکه لو بدهم باید بگویم که فیلمساز در تمام طول فیلم حتی یک بار هم زندانی فراری را نشان مخاطب نمی دهد اما با نمای پایانی، او را کاملاً تبدیل به یک کاراکتر می کند. یک کاراکتر غایب که حضوری قدرتمند در اثر دارد و با پایان فیلم تازه سیر آشنایی مخاطب با این زندانی فراری آغاز می شود.

فیلم بدون تردید لیاقت این را دارد که در تمامی بخش ها نامزد دریافت سیمرغ باشد. اما در چند بخش یکی از شانس های اصلی کسب جایزه است؛ کارگردانی، فیلمنامه، بازیگر نقش اول زن، موسیقی متن، طراحی صحنه و فیلمبرداری از جمله بخش هایی هستند که «سرخپوست» شایسته دریافت جایزه است.





نگاهی به فیلم «متری شیش و نیم»

اثری مطلوب در گام دوم



مصطفی محمودی

سرگرد صمد مجیدی که مشکلاتی را در زندگی زناشویی خود دارد در پی یافتن ناصر خاکزاد یکی از سرکردگان توزیع مواد مخدر است. کشمکش سرگرد با همکارانش و رودررویی او با ناصر پس از دستگیری ماجراهای متفاوتی را رقم می زند.

ساخته دوم سعید روستایی فیلمساز جوان سینمای ایران همچون ساخته نخستش «ابد و یک روز» باز هم به موضوع اعتیاد، بحران های خانوادگی ناشی از آسیب های اجتماعی و کشمکش های بیرونی آدمهای ماجرا می پردازد. روستایی در فیلم جدیدش تلاش می کند تا نگاهی عمقی تر از منظر رفتارشناسی فردی در جامعه به آدمهای داستانش داشته باشد. اینکه چرا ناصر با وجود انهمه دارایی و ثروت و تضمین یک زندگی آسوده باز هم حاضر به ترک کار خود نیست. اینکه چرا سرگرد مجیدی نمی تواند ارتباط کاری و رفتاری مناسبی با همکارانش داشته باشد و ... که در این میان البته تک مضرب هایی را نیز از آسیب هایی که فرد در جامعه به

«متری شیش و نیم» ادامه

همان مسیر قبلی سعید

روستایی اما اینبار به شکلی

دیگر است. این فیلم نیز مانند

«ابد و یک روز» بدون تردید

فیلم موفق است که قطعاً نظر

مخاطبان را نیز جلب خواهد

کرد اما معتقدم هر قدر که

روستایی در کارگردانی این

فیلم پیشرفت داشته فیلمنامه

اما موفقیتی برای روستایی

محسوب نمی شود ...

آن شده در مواجهه با قسمت دوم به اصطلاح پس برزند و مخاطبی که قسمت دوم برایش جذاب بوده با قسمت اول مشکل ارتباطی برقرار کند. این موضوع در اثر قبلی روستایی وجود نداشت و قصه از همان ابتدا یقه مخاطب را می گرفت و تا انتها نیز رها نمی کرد اما در اثر جدید روستایی به هر شکل این اتفاق رخ نداده است.

ساختار اما در این فیلم بسیار جذابتر از ساختار فیلم قبلی روستایی است و حتی بر فیلمنامه هم برتری داشته و از آن جلوتر است. سکانس نفسگیر ابتدایی فیلم که در نهایت با زنده به گور شدن آن جوان مواد فروش تمام می شود. صحنه به شدت تاثیرگذار و قابل تامل تعقیب معتادان در یکی از اتوبان های تهران که دوربین افرادی را نشان می دهد که مثل مور و ملخ از لابلاي درختان وسط اتوبان بیرون آمده و در امتداد اتوبان به هر سو می گریزند. صحنه های متعدد ورود دسته دسته معتادان زندانی شده به بازداشتگاه و به ویژه صحنه حضور دسته جمعی معتادان و فروشندگان در دادگاه از یکطرف و مواجهه آنان با خانواده هایشان از طرف دیگر از جمله جذابیت های بصری و ساختاری اثر به شمار می روند. به همه اینها باید صحنه اثر گذار خیس شدن بازداشت شدگان به خواسته خود توسط ناصر را اشاره کنیم که هم در شکل و هم در محتوا تأثیر برانگیز بوده و از شرایط خودخواسته ای که جامعه به هر دلیل برای وجود و بزرگ شدن ناصر و امثال او فراهم می کند سخن می گوید. و به ویژه سکانس آخرین ملاقات ناصر با اعضای خانواده اش و حرکات نمایشی برادرزاده اش در مقابل او که در انتها نیز به دلیل شرایط تنش آلود به وجود آمده از دیگران جا می ماند و مجبور می شود تا برهنه به دنبال خانواده رها شود. همه این صحنه ها کدهای موثری هستند که روستایی برای هر چه بیشتر و گسترده تر شدن ارتباط تماشاگر با فیلم و قصه اش در اثر گنجانده و به همین دلیل معتقدم که ساختار فیلم چند قدم از قصه جلوتر حرکت می کند. بازی پیمان معادی در نقش سرگرد صمد مجیدی یکی از تک بازی های دیدنی و خوب این فیلم است همچنین نابازبگرنان فیلم که گویا همگی معتادان واقعی هستند نیز از پس وظایف محوله خود به خوبی برآمده اند.

در مجموع «متری شیش و نیم» ادامه همان مسیر قبلی سعید روستایی اما اینبار به شکلی دیگر است. این فیلم نیز مانند «ابد و یک روز» بدون تردید فیلم موفق است که قطعاً نظر مخاطبان را نیز جلب خواهد کرد اما معتقدم هر قدر که روستایی در کارگردانی این فیلم پیشرفت داشته فیلمنامه اما موفقیتی برای روستایی محسوب نمی شود.



کارگردان:

سعید روستایی

بازبگرنان:

پیمان معادی، نوید محمدزاده، فرهاد اصلانی، پریناز ایزدیار، هومن کیایی، علی باقری، پیمان شریعتی، گیتی قاسمی، محمد علیمحمدی

خلاصه داستان:

سرگرد صمد مجیدی که مشکلاتی را در زندگی زناشویی خود دارد در پی یافتن ناصر خاکزاد یکی از سرکردگان توزیع مواد مخدر است. کشمکش سرگرد با همکارانش و رودررویی او با ناصر پس از دستگیری ماجراهای متفاوتی را رقم می زند.

دیگر عوامل:

فیلمنامه نویس: سعید روستایی
تهیه کننده: سیدجمال ساداتیان
مدیر فیلمبرداری: هومن بهمنش
تدوین: بهرام دهقانی
موسیقی: پیمان یزدانپان
طراح صحنه: محسن نصراللهی
طراح لباس: غزاله معتمد
چهره پرداز: ایمان امیدواری



چگونه یک مذاکره کننده حرفه ای باشیم؟

علی بهرام پور، مدرس و نویسنده مذاکره و زبان بدن - مذاکره را این گونه تعریف کرده اند: «گفت و گویی است میان دو یا چند نفر برای دستیابی به درکی مشترک برای رفع اختلافات یا تحقق منافع طرفین گفت و گو». مذاکره درست و اصولی یک هنر است و هر فردی فارغ از حیطه فعالیتش به آن نیاز دارد. شاید با شنیدن واژه مذاکره پیش از هر چیز مذاکرات سیاسی در سطح بین المللی در ذهنتان نقش ببندد و ضرورتی برای یادگرفتن آن در خود احساس نکنید. بد نیست این نگاه را کنار بگذارید؛ زیرا مذاکره طیف وسیعی از موضوعات را پوشش می دهد. راضی کردن کودک چهارساله تان برای زودتر به رختخواب رفتن نیز می تواند موضوع یک مذاکره باشد. حالا که این فن انقدر فراگیر و کاربردی است، شاید بد نباشد نگاهی به اصول حرفه ای مذاکره کردن بیندازیم.

کلام شما وقتی اثرگذار خواهد بود که حالت بدنتان نیز حاکی از ترس و اضطراب نباشد. قطعاً زبان بدن طرف مقابل هم حرف های زیادی برای گفتن دارد پس به آن دقت کنید.

مهارت های ارتباطی

یکی از مهارت های بسیار مهم در مذاکره گوش دادن فعال است. برای فهم و درک طرف مقابل، تمام حواستان را به حرف هایش بدهید. اجازه ندهید عوامل بیرونی و درونی حواس شما را از خوب شنیدن پرت کنند. شما باید به طور واضح از خواسته های طرف مقابل مطلع شوید و این کار جز از طریق خوب شنیدن محقق نخواهد شد.

شفاف سازی

روند و نتیجه مذاکره را پیام هایی شکل می دهند که شما و فرد رو به رویتان به هم منتقل می کنید. پس دقت کنید پیام را به درستی انتقال می دهید و به درستی دریافت می کنید. می توانید با چند پرسش از طرف مقابل، اطمینان پیدا کنید که پیام های رد و بدل شده کاملاً شفاف هستند

با مطالعه نکات بالا حتماً پی برده اید که توانایی مذاکره حرفه ای نه صد در صد اما تا حد زیادی اکتسابی است. پس اگر می خواهید مذاکره کننده ای حرفه ای شوید، لزوماً نیازی نیست که دارای استعدادهای ویژه باشید. در این زمینه مطالعه کرده و با تمرین مداوم، مهارت های مورد نیاز این فن را در خود تقویت و نهادینه کنید.

تقویت اعتماد به نفس
گفتمیم که آماده سازی صحیح اعتماد به نفس را افزایش می دهد. علاوه بر این برای حرفه ای مذاکره کردن احتیاج دارید که اصول موثر در تقویت اعتماد به نفس را فرا بگیرید. کتاب ها و دوره های آموزشی موجود در این زمینه شما را یاری خواهند کرد. از اهمیت این مؤلفه غافل نشوید. زیرا تا وقتی که خودتان خود را باور نداشته باشید، امکان ندارد دیگران بتوانند شما را باور کنند. باورپذیر بودن گفته های شما پیش از صحیح یا ناصحیح بودن فحوای کلام، وابسته به نحوه ارائه شماسست. پس قبل از محتوای کلام قدرت کلام شماسست که طرف مقابل را به زانو در می آورد.

اصلاح زبان بدن

زبان بدن چیزی است که از طریق چشم ها، حالت صورت، موقعیت سر، دست ها و پاها و... به طرف مقابل انتقال می دهید. پس سعی کنید با فراگرفتن جزئیات این زبان نیرومند بهتر مذاکره کنید. دقت کنید پیامی که از طریق کلام ارائه می کنید نباید در تناقض با پیامی باشد که بدنتان به طرف مذاکره انتقال می دهد. قدرت

مذاکره و زبان بدن - مذاکره را این گونه تعریف کرده اند: «گفت و گویی است میان دو یا چند نفر برای دستیابی به درکی مشترک برای رفع اختلافات یا تحقق منافع طرفین گفت و گو». مذاکره درست و اصولی یک هنر است و هر فردی فارغ از حیطه فعالیتش به آن نیاز دارد. شاید با شنیدن واژه مذاکره پیش از هر چیز مذاکرات سیاسی در سطح بین المللی در ذهنتان نقش ببندد و ضرورتی برای یادگرفتن آن در خود احساس نکنید. بد نیست این نگاه را کنار بگذارید؛ زیرا مذاکره طیف وسیعی از موضوعات را پوشش می دهد. راضی کردن کودک چهارساله تان برای زودتر به رختخواب رفتن نیز می تواند موضوع یک مذاکره باشد. حالا که این فن انقدر فراگیر و کاربردی است، شاید بد نباشد نگاهی به اصول حرفه ای مذاکره کردن بیندازیم.

آماده سازی

قدم اول برای انجام یک مذاکره درست آماده سازی است. شما باید چند برابر زمانی را که صرف مذاکره می کنید، به آماده کردن خود پیش از مذاکره اختصاص دهید. این موضوع علاوه بر اینکه شما را به اعتماد به نفس بیشتری برای نشستن سر میز مذاکره مجهز می کند، باعث می شود بتوانید پیش از قرار گرفتن در موقعیت واقعی، جوانب موضوع را بررسی کرده و خود را برای پاسخ دادن به پرسش های احتمالی آماده کنید. علاوه بر تحلیل موضوع گفت و گو، تحلیل و شناخت شخصیت و روحیات

۵ فیلم برتر آرای مردمی سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر

در نهمین روز برگزاری جشنواره فیلم فجر ۵ فیلم برتر آرای مردمی اعلام شد.

به گزارش رسیده، آرای نهمین روز جشنواره و در هفتمین روز از اعلام نتایج آرای مردمی سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر، ۵ فیلم برتر بدون اولویت معرفی شدند.

اسامی آثار برتر در آرای مردمی بدون اولویت به شرح زیر است؛ «شی که ماه کامل شد» ساخته نرگس آبیاری «سرخیوست» ساخته نیما جاویدی

«متری شش و نیم» ساخته سعید روستایی «ماجرای نیمروز؛ رد خون» ساخته محمدحسین مهدویان «غلامرضا تختی» ساخته بهرام توکلی

مخاطبان فیلم های جشنواره برای شرکت در رأی گیری بهترین اثر از نگاه تماشاگران می توانند از طریق شماره گیری ۷۱۰*۷* و طی کردن مراحل از طریق تلفن همراه اثر برگزیده خود را انتخاب کنند.

سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر به دبیری ابراهیم داروغه زاده همزمان با چهلمین سالگرد انقلاب ۱۰ تا ۲۲ بهمن برگزار می شود.

میلا صدراعلمی در پردیس چهارسو: هر آنچه از فیلم شنیده اید را کنار بگذارید

اولین فیلم میلا صدراعلمی با نام «سونامی» در جشنواره فیلم فجر امسال در پردیس سینمایی چارسو به نمایش درآمد. کارگردان این فیلم در مراسم معرفی «سونامی» به تنهایی بر روی صحنه حاضر شد و طی سخنان کوتاهی به معرفی فیلم خود پرداخت.

به گزارش رسیده، میلا صدراعلمی یادآور شد برای تماشای هر چه زودتر فیلم «سونامی» از عوامل سازنده فیلم که در سالن حاضر هستند دعوت نمی کند تا روی صحنه حضور پیدا کنند. او ضمن خوشامدگویی به حضار و تماشاگران فیلم «سونامی» گفت: امیدوار هستم از دیدن این فیلم لذت ببرید و هر آنچه درباره آن خوانده یا شنیده اید را کنار بگذارید.

او در پایان سخنان اش با تاکید بر اینکه حضار، فیلم یک کارگردان «فیلم اولی» را تماشا می کنند از حضور آنها تشکر کرد.

بر اساس این گزارش، فیلم میلا صدراعلمی، با نویسندگی او و علی اصغری و تهیه کنندگی رسول صدراعلمی تولید شده است. فیلمبرداری این فیلم در شهر تهران و حوالی آن انجام شده و بازیگرانی همچون بهرام رادان، رعنا آزادی ور، مهرداد صدیقیان، فرشته حسینی، محمدرضا غفاری، امیر مهدی ژوله، علیرضا شجاع نوری، علیرضا ورزنده، صبا محمدی و امیر شریعت در آن به ایفای نقش پرداخته اند.

رونوشت آگهی حصر وراثت

زهرا نقی زاده دارای شناسنامه شماره ۲۰ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۷/۱۲/۳۶ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان حمزه ایمانی شناسنامه شماره ۱۹۹ در تاریخ ۱۳۹۷/۱۰/۲۹ اقامتگاه دائمی خود بدروند زندگی گفته، ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به:

- ۱- زهرا نقی زاده متولد ۱۳۵۵/۱/۱ ش ش ۲۰ فرزند ایوب همسر متوفی
- ۲- محمد ایمانی متولد ۱۳۸۹/۱/۸ ش م ۰۳۱۴۳۷۰۴۹۸ فرزند حمزه پسرمتوفی
- ۳- ایلا ایمانی متولد ۱۳۷۶/۱/۲۴ ش م ۰۲۱۱۵۷۲۲۳۳۳ فرزند حمزه دخترمتوفی
- ۴- سیمینغدار واحدی شیروانه ده متولد ۱۳۱۲/۷/۴ ش ش ۹ فرزند احد مادر متوفی

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد. /م ۹۷/۶۰۶۱۱

رئیس شعبه ۳ شورای حل اختلاف کرج

جزئیات روند جمع آوری آرای مردمی؛

حفاظت از رای مردم

سوم به بعد هر شب یک فیلم را کم کرده تا به پنج فیلم برسیم که فیلم برگزیده یکی از آنهاست. ولی این امکان همیشه وجود دارد که فیلم حذف شده به رقابت بازگردد زیرا ممکن است در رای گیری رغبتی که مردم به فیلمی نشان می دهند آنقدر تفاوت کند که بتواند جایگاه فیلمها را تغییر دهد، پس طبیعتاً امکان پذیر است فیلمی که شب گذشته به عنوان فیلم هفتم از رقابت کنار رفته و ما شش فیلم را اعلام کردیم، امشب آن فیلم هفتم به جای فیلم ششم نشست و به رقابت بازگردد و فیلم ششم حذف شود.»

آشتیانی پور درباره امکان بازگشت فیلم های حذف شده از فهرست برترین فیلم های آرای مردمی به رقابت، توضیح داد: «ما همه رای گیری ها را هر شب انجام می دهیم و هیچ فیلمی از گردونه رای گیری خارج نمی شود، فقط از روز



علی آشتیانی پور رییس ستاد جمع آوری آرای مردمی جشنواره فیلم فجر درباره جزئیات جمع آوری آرا توضیح داد. رییس ستاد آرای مردمی جشنواره فیلم فجر درباره مسئله تقسیم بندی عادلانه سانس های نمایش هر فیلم در جشنواره فجر، توضیح داد: «آنچه مورد ملاحظه ماست یک سهمیه یکسان برای همه سینماهاست یعنی اگر تعداد نمایش ها را از ۱۸ تا ۲۴ عدد برای هر فیلم در نظر بگیریم، آنچه برای رای گیری ملاک است



خبر

محمود صادقی:

جشنواره فجر به دهه فجر رنگ خاصی می دهد

محمود صادقی، نماینده تهران درباره پیوند سینمای ایران و انقلاب گفت: «برگزاری جشنواره‌های فرهنگی و هنری در دهه فجر که مقطع مهمی است به آن معنا و رنگ خاصی می‌دهد.» صادقی درباره سینما و جشنواره فیلم فجر گفت: «سینما به هر حال در جای خودش رسانه‌ای تاثیرگذار است. هم از بعد سرگرمی و هم از بعد هنری و جنبه‌های فرهنگی و فکری می‌توان درباره آن زیاد حرف زد.»

او تاکید کرد: «راه‌اندازی جشنواره فیلم فجر همزمان با سالگرد انقلاب اسلامی به نظرم بستر مناسبی را برای پیوند خوردن گروه‌های مختلف هنری با انقلاب فراهم کرد.»

صادقی با اشاره به اهمیت دهه فجر گفت: «برگزاری جشنواره‌های فرهنگی و هنری در دهه فجر که مقطع مهمی است به آن معنا و رنگ خاصی می‌دهد. خوشبختانه از اولین سال‌های بعد از انقلاب اسلامی این جشنواره راه‌اندازی شد و به نظر من توانست با پیوند دادن این هنر یعنی سینما با انقلاب اسلامی حاشیه‌ای امن برای آن درست کند.»

او ادامه داد: «رفته‌رفته جشنواره فیلم فجر تبدیل به نوستالژی شده است. خود من به عنوان تماشاگر ساده درگیر این جشنواره بوده‌ام. پیوند انقلاب و سینما با برگزاری هر ساله این جشنواره تکرار می‌شود. شاید لزوماً فیلم‌هایی که در این جشنواره نمایش داده می‌شوند، درباره انقلاب نباشند اما این تقارن و همزمانی پیام خوبی داشته است و تاثیر مثبتی می‌گذارد.»

نماینده مردم تهران درباره تاثیر فضای انقلاب بر سینما گفت: «موج نوی سینمای ایران در دهه ۴۰ شروع شد و سینما وارد فاز جدی‌تری شد. اما فضای انقلابی بستری را فراهم کرد تا سینما جهش بیشتری کند. من اهل این حرفه نیستم، اما می‌توانم تشخیص دهم که سینمای بعد از انقلاب از نظر فکری و درون‌مایه‌های فیلم‌ها بسیار متفاوت شده است. هرچند که باید این انتقاد را داشته باشم که در بعد گیشه و تجاری سینما این فکرها و درون‌مایه‌ها دور شده‌اند.»

از اعضای هیئت انتخاب جشنواره:

مصلحت مدیران حضور ۲۲ فیلم بود

محمدعلی حسین‌نژاد، تهیه‌کننده سینما و عضو هیئت انتخاب جشنواره فیلم فجر معتقد است که مدیران جشنواره مصلحت دیدند که ۲۲ فیلم در بخش مسابقه باشد اما پیشنهاد اصلی حضور ۱۵ فیلم در این بخش بود. سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر به روزهای پایانی خود نزدیک می‌شود و کیفیت پایین برخی از آثار انتقاداتی را به دنبال داشته و بسیاری از تماشاگران و منتقدان و اهالی رسانه و سینما معتقدند که نباید برخی از فیلم‌ها در بخش مسابقه جشنواره فیلم فجر به نمایش دربیایند. محمدعلی حسین‌نژاد (تهیه‌کننده سینما و یکی از اعضای هیئت انتخاب) نیز به صورت تلویحی این مساله را تایید می‌کند.

حسین‌نژاد در واکنش به انتقاد از کیفیت برخی از فیلم‌های بخش سودای سیمرغ سی و هفتمین دوره جشنواره فیلم فجر می‌گوید: «سقف تعداد فیلم‌ها در بخش سودای سیمرغ براساس نظر مدیران جشنواره ۲۲ فیلم بود اما نظر شخصی من به عنوان یکی از اعضای هیئت انتخاب این بود که باید سقف را معلوم کنیم ولی کف را در نظر بگیریم و بنیم چقدر فیلم‌ها قابلیت حضور دارند و مقدورات ما چقدر است و اصرار نداشته باشیم که حتماً به اندازه سقف فیلم انتخاب کنیم بلکه بگوییم تعداد فیلم‌ها از ۲۲ فیلم بیشتر نشود اما اگر کمتر شد اشکالی وجود ندارد.»

مدیر پردیس سینمایی آزادی:

افزایش چشم گیر سانس‌های فوق العاده در امسال



مدیر پردیس سینمایی آزادی معتقد است که در جشنواره سی و هفتم نسبت به سال گذشته تعداد سانس‌های فوق العاده به دلیل استقبال مردم بیشتر بوده است.

رضا سعیدی پور مدیر پردیس سینمایی آزادی با اشاره به استقبال گسترده علاقه‌مندان به سینما از سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر، به ستاد خبری سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر گفت: «امسال شاهد حضور گسترده مخاطبان در سینماهای مردمی بودیم و در دو روز آینده که از جشنواره باقی مانده است نیز به نظر می‌رسد که شاهد استقبال علاقه‌مندان باشیم.»

او ادامه داد: «امسال به دلیل آنکه در سانس‌های عادی به جز تعداد خیلی محدود، بلیتی برای فروش باقی نمانده و تعداد فیلم‌هایی که در جشنواره به نمایش درآمد زیاد بود، مردم توانستند بیشتر در سانس‌های فوق العاده به تماشای فیلم‌ها بنشینند.»

این مدیر سینما با اشاره به افزایش سانس‌های فوق العاده نسبت به سال گذشته به دلیل استقبال علاقه‌مندان،

در این سانس‌ها به تماشای فیلم موردنظرشان بنشینند.» مدیر سینما آزادی درباره چگونگی ادامه روند استقبال مردم از فیلم‌ها در طول سال، بیان کرد: «اگر تمهیداتی اندیشیده شود تا بتوان از طریق آن افرادی که تنها در جشنواره فجر به سینما می‌آیند را در طول سال نیز با سینما همراه کرد به نظرم اتفاق مثبت و خوبی است.»

مردم بابت اینکه شاید نتوانند فیلم‌ها را ببینند، بودیم این نگرانی با تصمیم‌گیری خوب مسئولان محترم جشنواره درباره برگزاری سانس‌های فوق العاده شب همراه و این مشکل علاقه‌مندان را برطرف شد.» او افزود: «پیشنهاد می‌کنم که تصمیم‌گیری درباره سانس‌های فوق العاده نیز به قبل از جشنواره موکول شود تا مردم با خیال آسوده

توضیح: «نه تنها در سینمای آزادی بلکه در دیگر سینماها نیز شاهد تعداد بالای سانس‌های فوق العاده بودیم و فکر می‌کنم که امسال نسبت به سال گذشته تعداد سانس‌های فوق العاده بسیار زیاد بود.» سعیدی پور درباره دغدغه‌های که علاقه‌مندان به تماشای فیلم‌های جشنواره فجر داشتند، گفت: «ما در جشنواره امسال شاهد نگرانی

معرفی داوران بخش تجلی اراده ملی

ابراهیم اسلامی، مهدی کریمی؛ داوران معاونت فرهنگی قوه قضاییه و وحید آگاه، کیوان صدقاتی، محمود عزیزی؛ داوران حقوق شهروندی وزارت ارشاد

علی حیاتی، شیما عالی، محمدباقر مفیدی کیا؛ داوران شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده شورای عالی انقلاب فرهنگی
 حسین حقگو، محمدتقی فهیم، فرزاد مولازاده؛ داوران بنیاد شهید و امور ایثارگران
 حسین عرفانی مقدم، محمود عباسی، مهدی سجاده‌چی، مصطفی رستگاری، احمدعلی محسن؛ داوران حقوق بشر وزارت دادگستری
 عین الله جهانی، مصطفی نجمی، ولی خسروی؛ داوران پلیس ناجا
 عباس حق شناس، محمدرضا حیدرهایی، مهدی خسروی؛ داوران سازمان بهزیستی

پدرام فرجی زاده، سجاد رنجبر، آرمین سرابی؛ داوران معاونت فرهنگی وزارت بهداشت
 جعفر صانعی مقدم، مهدی کرم پور، رضا مقصودی؛ داوران فراکسیون جوانان مجلس

سازمان ها و تشکل های حاضر در بخش تجلی اراده ملی به بررسی فیلم های به نمایش درآمده جشنواره امسال می پردازند و فیلم های منتخب خود را با توجه به اهداف و رسالت تعیین شده سازمان های متبوع خود معرفی و اعلام می کنند.

عالی انقلاب فرهنگی، بنیاد شهید و امور ایثارگران، وزارت دادگستری، معاونت قرآن و عترت وزارت فرهنگی و ارشاد اسلامی، پلیس ناجا، سازمان بهزیستی، معاونت فرهنگی و دانشجویی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و فراکسیون جوانان مجلس و... دیده می‌شود.

اسامی منتشر شده از داوران این سازمان ها و نهادها به شرح زیر است: صادق فنایی، ارسیا تقوا، عباس شاهدهی علی آباد، احسان نصیرالاسلامی، رضا لاری پور هرات؛ داوران دانشگاه علوم پزشکی ارتش
 امیر عبدالرضا سپنجی، دیگرانوحی هوا کیمیان، منصور ضابطیان؛ داوران سازمان حفاظت محیط زیست
 مصطفی رستمخانی، فاطمه حجتی، حسین رضایی؛ داوران دانشگاه صنعتی امیرکبیر
 مهناز آزاد، سید حامد مرتضوی، کوروش وحیدشاهی؛ دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
 محمود محدث، مجید توکلی، مهدی افروزمش؛ داوران وزارت ورزش و جوانان

محمد رضا منصوری، حسن آقاکریمی، یونس صباحی، سیدعلی قائم مقامی، یوسف صمدزاده؛ داوران انجمن مدیران تولید سینما
 اشرف گرمی زادگان، شیرین احمدنیا، زهرا ابوالقاسمی؛ داوران معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری
 سیدمحمد رضا خوشرو، جواد طوسی،



ارتش، سازمان حفاظت محیط زیست، دانشگاه صنعتی امیرکبیر، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، وزارت ورزش و جوانان، انجمن مدیران تولید سینما، معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، معاونت فرهنگی قوه قضاییه، حقوق شهروندی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده شورای

تشکل ها و سازمان های دولتی و غیردولتی، در بخش تجلی اراده ملی به ارزیابی محتوای فیلم های به نمایش درآمده در سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر می پردازند.

در میان سازمان هایی که داوران آنها در پردیس سینمایی چارسو به تماشای فیلم های جشنواره امسال مشغول اند نام سازمان ها و نهادهایی همچون دانشگاه علوم پزشکی



3.0 ★★☆☆

نگاهی به فیلم «مسخره باز» از کارگردانان کازابلانکا تا هزارستان



شبنم محمودی

اکران فیلم «مسخره باز» نخستین ساخته همایون غنی زاده کارگردان خلاق و موفق تئاتر کشور در جشنواره سی و هفتم فیلم فجر شد تا بخاطرمان بیاید که یکی از نقاط ضعف سینمای ایران کمبود فیلم هایی با فضای سورئال (فرا واقع گرا) است که وقتی این فضا با دغدغه های ذهنی یک عشق بازیگری سینما و تئاتر و علاقه مند به فیلم در بستری فانتزی در هم می آمیزد تبدیل می شود به یکی از فیلم های زیبا و بیاد ماندنی سینمای ایران.

دانش (با بازی صابر ابر) که به همراه شاپور (با نقش آفرینی بابک حمیدیان) در سلمانی کاظم آقا (که نقشش را علی نصیریان بازی می کند) یک جوان پرورشگاهی است که عاشق بازیگری در سینما و تئاتر است و علاقه مفرطی به این حوزه دارد. ذهن خیال پرداز دانش، علاقه اش به یک سوپر استار زن و فانتزی هایی که دارد سبب بروز اتفاقاتی برای او و همکارانش در سلمانی می شود. همایون غنی زاده که خود نویسنده و نخستین اثرش را نیز در کنار کارگردانی بر عهده داشته با در هم آمیختن فضای سورئال بر بستر فانتزی که در ذهن خیال پرداز دانش روی می دهد دنیای جدیدی را پیش روی مخاطب قرار دهد. همه قصه فیلم از ابتدا تا انتها در سلمانی کاظم آقا می گذرد که ظاهرا در یکی از شهرهای ساحلی کشور قرار دارد. زمان فیلم نیز ظاهرا متعلق به دوران پهلوی است اما نشانه هایی که در قصه و ساختار می بینیم مشخص نمی کند که فیلم در دوره پهلوی است یا دوم و اساسا در کدام شهر این اتفاقات رخ می دهد و در واقع قصه بی زمان و مکان است که این نکته البته از مقتضیات فضای فراواقع گرا به شمار می رود. دلمشغولی های دانش شاید به نوعی علاقه دیوانه وار خالقش یعنی همایون غنی زاده به دنیای فیلم و سینما و تئاتر باشد و از همین رو طیف متنوعی از بخشهای کازابلانکا، هزارستان، بیل رابکس، پاپیون و برخی دیگر از آثار شاخص تصویری ایران و جهان را شاهد هستیم و البته در کنار همه اینها وی تکضرب هایی را نیز از آخرین اثرش در تئاتر که با عنوان «می سی سی پی می میرد»

و یکی از آثار شاخص و موفق تئاتر کشور بود که به فاصله کوتاهی دو بار باز تولید شد را به رخ مخاطبان می کشد. انتخاب تعداد زیادی از چهره های شاخص سینما و تئاتر حتی برای ایفای نقش های کوچک از ویژگی های «مسخره باز» به شمار می رود. نگاهی به اسامی بازیگران فیلم نشان می دهد که نسل های اول و دوم و سوم بازیگری در این کار حضور دارند از علی نصیریان و رضا کیانیان گرفته تا هدیه تهرانی و صابر ابر و بابک حمیدیان و محسن حسینی و مهدی کوشکی و داریوش موفق و دیگران. که معتقدم همه انتخابها درست و در جهت همراهی با فیلم بوده و بدون تعارف هیچ بازی بدی در فیلم نمی بینیم و انصافا همه بازی ها خوب و درخشان هستند و این مساله از نکات بسیار مثبت فیلم محسوب می شود. انتخاب یک لوکیشن ثابت برای یک فیلم با مدت زمان دو ساعت از کارهای سخت (و حداقل غیر ممکن در سینمای ایران) است که نمونه هایش را کمتر در سینمایمان دیده ایم اما غنی زاده موفق می شود تا تماشگر را در این فضا حفظ کرده و او را مشتاق برای ادامه داستان نگاه دارد. و این مساله با وجود تکرارهای فراوان که حاصل چرخش ذهن فانتزی دانش از یکسو و روزمرگی حاصل از آدم های داستان از سوی دیگر است باز هم شکل موفقیتی به خود می گیرد.

ادای دین به آثار کلاسیک سینمای ایران و جهان و بهره گیری از برخی سکلس های اثر گذار این آثار جدا از علاقه دیوانه وار غنی زاده به مقوله تصویر و فیلم و سینما کاملا همسو با رخدادهای قصه پیش می رود و از این بابت فانتزی های این بخش بسیار دیدنی و جذاب از کار درآمده اند که سبب به وجود آمدن فضای مفرح ذهنی و اشتیاق برای پیگیری ادامه ماجراهای می شوند. به همین ها باید اضافه کنیم طراحی صحنه هوشمندانه فیلم را که به مدد جلوه های ویژه رایانه ای در هر چه باور پذیرتر ساختن قصه و ساختار کمک حال خوبی برای کارگردان بوده و همچنین تدوین بسیار خوب که سبب شده تا با بهره گیری از تعداد زیادی نماهای تقطیع شده زبان روایی فیلم در



ساختار زبان قابل قبولی باشد و فیلم دارای ضرباهنگ مناسبی شود.

در مجموع «مسخره باز» شاید پاسخ به یکی از نیازهای علاقه مندان پیگیر و جدی سینمای ایران باشد که در پی تماشای فیلمی سورئال که موضوع عشق به فیلم و سینما را دستمایه کار خود قرار داده هستند و از این منظر همایون غنی زاده با «مسخره باز» ش یکی از کمبودهای جدی سینمای ایران را در حوزه مذکور تا حدی پر کرده است. این فیلم احتمالا در اکران عمومی با واکنش کاملا موافق و کاملا مخالف تماشاچیان مواجه خواهد شد و بدون تردید تماشاچی با نظر میانه برای این اثر وجود نخواهد داشت. فقط باید آرزو کنیم که گروه داوری آثار جشنواره سی و هفتم نیز همینگونه باشند یعنی یا کاملا مخالف یا کاملا موافق. به عبارت دیگر یا اصلا هیچ جایزه ای به فیلم تعلق نگیرد یا «مسخره باز» بتواند در روز پایانی با تعداد زیادی جوایز به خانه برود. در این صورت است که تکلیف سینمای ایران هم روشن می شود که آیا مدیران و سیاستگذارانش کلا چنین فیلمی را می خواهند یا از پایه با این مسخره بازی ها!؟ مخالفند

کارگردان:

همایون غنی زاده

بازیگران:

صابر ابر، علی نصیریان، بابک حمیدیان، رضا کیانیان، داریوش موفق، محسن حسینی و مهدی کوشکی

خلاصه داستان:

تو پرورشگاه صدام می کردند مسخره باز! اما من مشت محکمی حواله صورت یکیشون کردم تا داستان رو شروع کنم.

دیگر عوامل:

فیلمنامه نویس: همایون غنی زاده
مدیر فیلمبرداری: علی قاضی
تدوین: هایده صفی یاری
موسیقی: محمدرضا غنی زاده
طراح صحنه: سهیل دانش
طراح لباس: الهام معین
چهره پرداز: ایمان امیدواری
صدابردار: محمود کاشانی
تهیه کننده: علی مصفا

- ادای دین به آثار کلاسیک سینمای ایران و جهان و بهره گیری از برخی سکانس های اثر گذار این آثار جدا از علاقه دیوانه وار غنی زاده به مقوله تصویر و فیلم سینما کاملا همسو با رخدادهای قصه پیش می رود و از این بابت فانتزی های این بخش بسیار دیدنی و جذاب از کار درآمده اند که سبب به وجود آمدن فضای مفرح ذهنی و اشتیاق برای پیگیری ادامه ماجراهای می شوند





جدول ارزشگذاری نویسندگان سایت سی نت تا پایان روز نهم

«سرخپوست» در صدر



از میان ۲۷ فیلم سینمایی به نمایش در آمده در پردیس ملت ویژه اهالی رسانه، ۱۱ نویسنده و منتقد سایت سی نت طبق معیار چهارستاره ای فیلم ها را ارزشگذاری کردند که در نهایت فیلم «سرخپوست» ساخته نیما جاویدی با کسب بهترین میانگین امتیاز در صدر جدول قرار گرفت. فیلم «متری شیش و نیم» ساخته سعید روستایی و «مسخره باز» ساخته همایون غنی زاده هم به ترتیب در رده های دوم و سوم قرار گرفتند. همچنین فیلم های «تیغ و ترمه» ساخته کیومرث پوراحمد، «یلدا» به کارگردانی مسعود بخشی و «خون خدا» ساخته مرتضی علی عباس میرزایی هم به ترتیب به عنوان ضعیف ترین فیلم های جشنواره تا پایان روز نهم انتخاب شدند.

فیلم / نویسنده	مجتبی اردشیری	مهدی تیموری	فرهاد خالدی نیک	محمد حسین سیفی	احمد شاهوند	سیدرضا صائمی	وحید فرازان	زرنوش محمدی	مصطفی محمودی	مازیار معاونی	امیررضا نوری پرتو
۱ سرخپوست	★	★★★★	★★	★★★★	★★	★★★★	★★	★★	★★	★★★★	★★
۲ متری شیش و نیم	★★	★★	★★	-	★★	★★★★	★★★★	★★	★★	★★★★	★★
۳ مسخره باز	★★	★★★★	★★	-	★★	-	★★	★★	★★	★★	★★
۴ شبی که ماه کامل شد	★★	★	★★	-	★★	★★★★	★★★★	★★	★★	★★★★	★★
۵ غلامرضا تختی	★★	★★	★★★★	★★	★★	★★	★★	★★	★★	★★	★
۶ قصر شیرین	★★	★★	★★	★★★★	★★	★★	★★★★	★★	★★	★★	★★
۷ جان دار	★★	★★	★★	★★	★★	★★★★	★★	★★	-	★★	-
۸ طلا	★★	★★	★★	★★	★★	★★★★	★★	★★	★★	★★	★★
۹ درخونگاه	★★	★★	★★	-	★★	★★	★★	★★	★★	★★	★★
۱۰ پالتو شتری	★★	★★	★★	★	★	★	★★	★	★★	★	★
۱۱ قسم	★	★	★	-	★★	★★★★	★	★★	-	★★	-
۱۲ ۲۳ نفر	★	★★	★	★★	★★	★	★	★★	★★	★	★★
۱۳ سونامی	★★	★	-	-	★	-	★	★★	-	★	-
۱۴ سمفونی نهم	★	★★	★	-	★	★	★	★★	★★	★	★
۱۵ ناگهان درخت	★★	★★★★	★★	-	★	★	★	★	★	★	★
۱۶ سال دوم دانشکده من	★	★	★	★	★	★	★★	★	★	★	★
۱۷ بنفشه آفریقایی	★	★	★	-	★	★	★★	★	★	★	★
۱۸ ایده اصلی	★★	★	★	-	★★	★	★	★	●	★★	★
۱۹ روزهای نارنجی	●	●	★	-	★	★	★★	★	★	★★	★
۲۰ دیدن این فیلم ...	★	★	★	-	★	●	●	★	★	★★	●
۲۱ جمشیدیه	★	●	-	★	★	★	★	★	★	★★	★
۲۲ مردی بدون سایه	★	●	-	-	★	★	★	●	★	★	★
۲۳ یلدا	★	●	-	-	●	●	★	●	★	★	★
۲۴ معکوس	★	★	★	●	★	●	●	★	★	●	★
۲۵ زهرمار	●	●	-	●	★	●	★	★	●	★★	●
۲۶ خون خدا	-	-	-	●	★	●	●	★	●	●	★
۲۷ تیغ و ترمه	●	●	●	●	●	●	★	●	★	●	●



عواقب «ور رفتن» با کلمات؛

«من می فهمم، شما نفهمین!»

واژه «فرم» استفاده می‌کنند. به قول یکی از بزرگان، جا دارد که اینگونه فرد بگوییم: بنشین سرجایت، گنده تر از دهانت هم حرف زن!

اگر روزگاری این دوستان در حوزه نقد سینما رشد کنند که احتمالاً بخاطر تسلط در استفاده از کلمات قلمبه سلمبه رشد هم خواهند کرد، بدانید که مقصر فقط و فقط خودمانیم که با دنبال کردن و گوش دادن به آن‌ها، این احساس را منتقل کردیم که چیزی در چننه دارند و سینما را بیشتر از ما می‌فهمند. حال انتخاب با خودمان است...

و بدون تردید نیازمند سواد کافی در این حیطه است که شما بدانید چه چیزهایی فرم آن فیلم را ساخته اند و آیا کارآمدی را دارا هستند یا خیر. اما اتفاقی که توسط منتقدین پسا فرستی سینمای ایران در حال رخ دادن است، تولد منتقدینی است که فرم را نمی‌شناسند اما به راحتی فرم فیلم‌ها را با کلماتی که ساین دهانشان هم نیست زیر سوال می‌برند. در هیچ بخشی از صحبت‌های این دوستان، شما نشانی از کارکرد عناصر در فیلم‌ها نمی‌شنوید و نمی‌بینید اما در هر جمله بیش از دوبرار از

این نوع نگاه به نقد فیلم از کجا نشات می‌گیرد و تقصیر صدا و سیمای ماست که کوچکترین حرکت مثبتی در راستای ترویج نقد درست سینمایی در سال‌های گذشته نداشته است و اجازه داده شده تا به راحتی هر گونه لفاظی و فحاشی به سینما گران تحت عنوان «نقد» به خورد مخاطب عامی سینما داده شود. به طبع از زیر این پرچم حمایتی، هر کسی نقد را کار راحتی می‌پندارد و اینگونه می‌شود که هر فیلمباز خردی که تعداد فیلم‌های تماشا کرده اش از عدد صد تجاوز کرد، خودش را در قامت یک منتقد در حد «مسعود فراستی» تصور کند و با هر رسانه‌ای که در اختیار دارد، به فیلم‌ها حمله ور شود و آن‌ها را مورد تمسخر قرار دهد.

از این جنس رسانه‌های دوزاری که غالباً یک اسم هنری هم برای خود گذاشته اند،

محمدحسین سیفی - چند سالی است که پدیده «نقد سینما» اساساً جای خودش را به فحاشی زیر بیرق کلمات قلمبه سلمبه ای که منتقدش یکی دوجا شاید به گوش خورده باشد درباره فیلم‌های ایرانی داده است. هنوز خیلی از منتقدین سینما به درستی نمی‌دانند که وظیفه یک منتقد چیست. هنوز نمی‌دانند ماهیت وجودی و نیاز به حضور منتقد در سینما چیست. هنوز خیلی از منتقدین ایرانی نمی‌دانند که برای چه و برای که نقد می‌کنند. وقتی هیچ فعل و انفعالی در مغز برخی از منتقدان ایرانی سینما رخ ندهد و ندانند که هستند و به کجا می‌روند و آمدنشان بهر چه است، این می‌شود که پدیده «نقد» جای خودش را به خودنمایی و ادعای «من می‌فهمم، شما نفهمین» می‌دهد.

به خوبی می‌دانیم که بخش بزرگی از

رئیس انجمن فیلمنامه‌نویسان:

سه‌م اعضای انجمن بیش از ۳۰ درصد نبوده

یعنی نه زیبایی بصری داریم و نه معنا که این موضوعات من را رنج می‌دهد.»

رئیس انجمن صنفی فیلمنامه‌نویسان در بخش دیگر از صبحت هایش با بیان اینکه مرد ستیزی عجیبی در برخی از فیلم‌ها وجود دارد، مطرح کرد: «می‌دانم چرا مردها در فیلم‌ها انقدر بد نشان داده می‌شوند و گویا یک مرد ستیزی در فیلم‌ها وجود دارد. البته به نظر می‌رسد چنین کارگردان‌هایی این موضوع را برای به دست آوردن مخاطبان زن انجام می‌دهند این را هم باید بگویم همان روزی که در سینما و تلویزیون مردها رقصنده شدند آسیب‌ها ظاهر شد و رفته رفته دیدیم که آنها ناهنجاری‌هایی زیادی مثل تمایلات عجیب و غریب جنسی دارند و از طرف دیگر به صورت پیش فرض این بحث مطرح شد که در جامعه به زن‌ها ظلم می‌شود.»

درخشانی داشته باشد. ضمن اینکه بیشتر فیلم‌های علاوه بر داشتن ضعف فیلمنامه ضعف ساختاری هم دارند از همین رو تعجب می‌کنم که چگونه ساخته شده‌اند چون غلط‌های فاحش دراماتیک دارند و جالب‌تر اینکه بدون اینکه آنها متوجه شوند فیلم را با همین ضعف‌ها و غلط‌ها جلو برده‌اند.

وی افزود: «از سوی دیگر وقتی مصاحبه‌های کارگردان‌ها را می‌خوانم و می‌بینم که اتفاقاً به این غلط‌ها افتخار می‌کنند و خیرنگارانی را که در این باره انتقاد می‌کنند، بی‌سواد خطاب می‌کنند تعجب می‌کنم اما آنها در زمان اکران جواب این اشتباهات را می‌گیرند چراکه مخاطب این ضعف‌ها را پس می‌زند و در نتیجه موفق نمی‌شوند. این نکته را هم باید اضافه کنم سینمای ما بیشتر از فیلمنامه از فقر بصری رنج می‌برد

نویسندگان شناخته شده از تولیدات همان سال هم بیش از سی درصد نیست و این یک آمار واقعی است. ضمن اینکه اکثر این تازه‌واردها در سال بعد عضو جدید انجمن می‌شوند بنابراین این یک واقعیت آماری است که هر سال تکرار می‌شود و شخصاً عیبی در آن نمی‌بینم. البته اینکه برخی می‌گویند سینمای ایران کوچک است و فیلم‌های کمی در آن وجود دارند یک بحث دیگر است. سینمای ما بیشتر از فیلمنامه از فقر بصری رنج می‌برد یعنی نه زیبایی بصری داریم و نه معنا که این موضوعات من را رنج می‌دهد»

قاسم‌زاده اصل در بخش دیگر از صبحت‌هایش با انتقاد از فیلمنامه‌های این دوره از جشنواره بیان کرد: «من کم و بیش آثار این دوره از جشنواره را دیده‌ام و باید بگویم تاکنون فیلمی ندیده‌ام که فیلمنامه



در یک سال بیش از ۳۰ درصد نبوده است. یعنی به طور میانگین سالانه ۷۰ درصد فیلمنامه‌ها توسط تازه واردهایی که عضو این انجمن نیستند، نوشته شده است.»

وی ادامه داد: «البته این موضوع یک چیز قهری و گریزناپذیر است و به نظرم اتفاق بدی نیست. بر همین مبنا هر سال سهم

حجت قاسم‌زاده اصل رئیس انجمن صنفی فیلمنامه‌نویسان در نقد فیلمنامه‌های سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر عنوان کرد: «به‌عنوان رئیس انجمن فیلمنامه‌نویسان باید بگویم به لحاظ آماری در ۶، ۷ سال اخیر سهم اعضای انجمن فیلمنامه‌نویسان از فیلمنامه‌های تولیدات سینمایی هیچ‌وقت

بیشتر از ۹۳ درصد ارتباطاتان شیر کلامی می‌باشد

ویژه بازیگری

پنجشنبه و جمعه ۹ و ۱۰ اسفند ۹۷

دوره فشرده زبان بدن

www.alibahrampour.com

۰۹۱۲۹۵۴۳۹۳۵